

نقش میانجی‌گری مسئولیت اجتماعی در اثرگذاری اجتناب، فرار و فساد مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه

رضا شریف پور*، امید پورحیدری**، احمد خدایمی پور***

چکیده

گزارشگری متقلبانه به عنوان یک چالش حیاتی در مدیریت مالی می‌باشد که تهدیدی جدی برای یکپارچگی مالی و اعتماد سرمایه‌گذاران به شمار می‌آید. شرکت‌ها معمولاً درگیر شیوه‌های دستکاری مالی مانند اجتناب از مالیات، فرار مالیاتی و فساد مالیاتی می‌شوند که می‌تواند به طور چشمگیری شیوع گزارشگری متقلبانه را افزایش دهد، چرا که این شیوه‌ها اغلب شامل ارائه عمدی اطلاعات نادرست برای پنهان کردن مشکلات مالی هستند. در میان این چالش‌ها، نقش مسئولیت اجتماعی به عنوان یک عامل کلیدی مطرح می‌شود. این تحقیق به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا تعهد به مسئولیت اجتماعی می‌تواند به عنوان عامل بازدارنده در رابطه بین این شیوه‌های مالیاتی مضر و گزارشگری متقلبانه عمل کند؟ بدین منظور، مطالعه حاضر با بهره‌گیری از داده‌های ۱۴۶ شرکت بورسی (۱۴۶۰ سال-شرکت) در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ و به کارگیری مدل‌های رگرسیونی لجستیک و رویکرد میانجی بارون و کنی، به تحلیل الگوهای پیچیده بین شیوه‌های مالیاتی شرکت‌ها، گزارشگری متقلبانه و افشای مسئولیت اجتماعی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از شیوه‌های اجتناب از مالیات، فرار مالیاتی و فساد مالیاتی منجر به افزایش میزان گزارشگری متقلبانه می‌شود. به علاوه، مسئولیت اجتماعی نقش میانجی و مانع از افزایش گزارشگری متقلبانه از طریق شیوه‌های اجتناب از مالیات،

* دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

** استاد حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

*** استاد حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

نویسنده مسئول: امید پورحیدری

opoughaidari@uk.ac.ir

DOI: 10.22034/arfr.2025.217598

فرار مالیاتی و فساد مالیاتی می‌شود. این مطالعه تأکید می‌کند که مسئولیت اجتماعی نقش واسطه‌ای مهمی در رابطه بین فعالیت‌های مالیاتی و گزارش‌های تقلبی ایفا می‌کند و بر اهمیت ادغام شیوه‌های مسئولیت اجتماعی در حاکمیت شرکتی برای مقابله با فرار مالیاتی، فساد و گزارش‌های متقلبانه تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، فساد مالیاتی، گزارشگری متقلبانه، مسئولیت اجتماعی.

مقدمه

اثرات اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و فساد مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه یکی از مسائل بحرانی در حوزه مالیات و اقتصاد به شمار می‌آید. این پدیده‌ها می‌توانند به شدت بر کیفیت و صحت گزارش‌های مالی تأثیر بگذارند، زیرا شرکت‌ها ممکن است به منظور کاهش هزینه‌های مالیاتی یا پنهان کردن مشکلات مالی، به دستکاری اطلاعات و ایجاد ابهام در گزارش‌های مالی متوسل شوند. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و فساد مالیاتی نه تنها موجب کاهش درآمدهای دولت می‌شوند، بلکه باعث کاهش شفافیت مالی و افزایش عدم اطمینان در بازار می‌گردند. این مسائل می‌توانند اعتماد سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان را به شدت تحت تأثیر قرار دهند و در نهایت به بی‌ثباتی اقتصادی منجر شوند (نگا و همکاران، ۲۰۲۰^۱، لینوکس و همکاران، ۲۰۰۱^۲، محد نور و همکاران، ۲۰۱۰^۳، پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳^۴). این اقدامات نه تنها منجر به افزایش هزینه‌های مالیاتی برای جامعه می‌شود، بلکه منجر به کاهش اعتماد عمومی نیز می‌گردد. وجود فرصت‌هایی برای اجتناب از پرداخت مالیات و فرار از آن، باعث می‌شود که افراد و شرکت‌ها از راه‌های غیرقانونی برای کاهش مالیات استفاده کنند. این وضعیت باعث می‌شود که گزارشگری مالی و اطلاعات مالی تبدیل به محلی برای مسدود کردن و تاریکی اقتصادی شود، که در نتیجه اطلاعات دقیق در دسترس عموم قرار نگیرد و شفافیت مالی کاهش یابد (استانکوویسیوس و لئوناس^۴، ۲۰۱۵). این ناکارآمدی در گزارشگری مالی منجر به ایجاد فرصت‌هایی برای انحراف و فساد مالیاتی می‌شود، که در نهایت باعث کاهش درآمدهای مالیاتی و تضییع منابع عمومی می‌گردد. به طور کلی، این اقدامات منجر به افزایش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی و کاهش توسعه پایدار اقتصادی می‌شود (الم و همکاران، ۲۰۱۵^۵). اجتناب از مالیات، فرار و فساد، تأثیرات

قابل توجهی بر شیوه‌های گزارش‌های متقلبانه دارد (نگا و همکاران، ۲۰۲۰، السعدی، ۲۰۲۰). هنگامی که صاحبان مشاغل با سوء استفاده از خلاءهای قانونی برای به حداقل رساندن بدهی‌های مالیاتی درگیر اجتناب مالیاتی می‌شوند، می‌توانند فرهنگ عدم شفافیت مالی و عدم صداقت را در سازمان‌ها ایجاد کنند. از سوی دیگر، فرار مالیاتی شامل فعالیت‌های غیرقانونی مانند گزارش کم درآمد یا افزایش هزینه‌ها است که منجر به تحریف صورت‌های مالی و گمراه کردن سهامداران می‌شود (نگا و همکاران، ۲۰۲۰). فساد در سیستم مالیاتی با ایجاد محیطی که در آن گزارش‌های تقلبی تحمل یا حتی تشویق می‌شود، مشکل را تشدید می‌کند. این فساد می‌تواند در اشکال مختلف، مانند رشوه برای دستکاری ارزیابی‌های مالیاتی یا تبانی بین مشاغل و مقامات مالیاتی برای کم‌نشان دادن تعهدات مالیاتی ظاهر شود. پیامدهای این شیوه‌ها گسترده است و نه تنها بر یکپارچگی گزارش‌گری مالی بلکه بر ثبات اقتصادی و برابری اجتماعی گسترده‌تر تأثیر می‌گذارد (آرچامبلت و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین، گزارش‌های متقلبانه ناشی از تخلفات مالیاتی، اعتماد سرمایه‌گذاران را تضعیف می‌کند، ارزش‌های بازار را مخدوش می‌کند و اعتماد عمومی به موسسات را از بین می‌برد (محد نور و همکاران، ۲۰۱۰). در نتیجه، اجتناب مالیاتی، فرار و فساد همگی می‌توانند با دستکاری داده‌های مالی برای منافع شخصی یا سازمانی به گزارش‌های متقلبانه کمک کنند.

برای مبارزه با گزارش‌های متقلبانه، حفظ استانداردهای اخلاقی، اجرای کنترل‌های داخلی قوی، و ارتقای شفافیت و پاسخگویی در فرآیندهای گزارش‌گری مالی برای شرکت‌ها ضروری است. نظارت و اجرای مقررات نیز در جلوگیری از روش‌های متقلبانه و تضمین یکپارچگی گزارش‌گری مالی بسیار مهم است، در این باره، مسئولیت اجتماعی نقشی اساسی در تأثیرگذاری بر رفتارهای شرکت‌ها در رابطه با شیوه‌های مالیاتی مانند اجتناب، فرار و فساد تأثیر می‌گذارد. شرکت‌هایی که مسئولیت اجتماعی را در اولویت قرار می‌دهند به احتمال زیاد شیوه‌های مالیاتی شفاف را اتخاذ می‌کنند، استانداردهای اخلاقی را رعایت می‌کنند و از مقررات قانونی برای اجتناب از درگیر شدن در اجتناب یا فرار مالیاتی پیروی می‌کنند (گارک، ۲۰۱۹). تحقیقات نشان می‌دهد که تعهد قوی به مسئولیت اجتماعی می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر اقدامات فاسد، از جمله رشوه یا نفوذ ناروا در امور مالیاتی، ترویج فرهنگ صداقت و تبعیت در سازمان‌ها عمل کند (هاسلدین و

موری^۸، ۲۰۱۳). علاوه بر این، شرکت‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی تمایل بیشتری به رسیدگی به امور مالیاتی با مسئولیت‌پذیری دارند و تأثیر اجتماعی تصمیمات مالیاتی خود را در نظر می‌گیرند، بنابراین به جوامعی که در آن فعالیت می‌کنند کمک مثبتی می‌کنند (کمپیل و هلوئید^۹، ۲۰۱۶). به طور کلی، ادغام مسئولیت اجتماعی در شیوه‌های مالیاتی شرکت می‌تواند به ایجاد اعتماد با سهامداران، افزایش شهرت و تقویت روابط تجاری پایدار کمک کند (گرینا و^{۱۰}، ۲۰۱۵).

بنابراین، مسئولیت اجتماعی نقش میانجی مهمی در رابطه بین شیوه‌های مالیاتی (اجتناب، فرار و فساد) و گزارش‌های تقلبی در محیط‌های شرکت ایفا می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که تعهد قوی به مسئولیت اجتماعی دارند، کمتر درگیر اجتناب یا فرار مالیاتی هستند، زیرا رفتار اخلاقی و پیروی از مقررات را در اولویت قرار می‌دهند (لیائو و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۹). علاوه بر این، مسئولیت اجتماعی به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر رفتارهای فاسد عمل می‌کند، زیرا شرکت‌های مسئول اجتماعی تمایل بیشتری به حفظ یکپارچگی و شفافیت در معاملات خود با مقامات مالیاتی دارند (حسین اف و کلام^{۱۲}، ۲۰۱۲). با ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری و رفتار اخلاقی، مسئولیت اجتماعی احتمال گزارش‌دهی متقابلانه را کاهش می‌دهد، زیرا، شرکت‌ها گزارش‌دهی و افشای دقیق مالی را در اولویت قرار می‌دهند (شفر و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۶، پریوس^{۱۴}، ۲۰۱۰). در نهایت، ادغام مسئولیت اجتماعی در چارچوب‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند خطرات مرتبط با تخلفات مالیاتی و گزارش‌های تقلبی را کاهش دهد، اعتماد و پایداری را در محیط کسب و کار تقویت کند (گازولا و همکاران^{۱۵}، ۲۰۲۳). علاوه بر این، ابتکارات مسئولیت اجتماعی می‌تواند شفافیت و پاسخگویی را در گزارشگری مالی افزایش دهد و فرهنگ صداقت را تقویت کند که از فعالیتهای متقابلانه جلوگیری می‌کند (هارجوتو^{۱۶}، ۲۰۱۷). به طور کلی، ادغام مسئولیت اجتماعی در ساختارهای حاکمیت شرکتی می‌تواند نقش حیاتی در کاهش خطرات مرتبط با تخلفات مالیاتی و گزارش‌های تقلبی داشته باشد و به شیوه‌های تجاری پایدار کمک کند. در محیط کسب و کار ایران، درک نقش مسئولیت اجتماعی در کاهش اثرات اجتناب، فرار و فساد مالیاتی بر گزارشگری متقابلانه بسیار مهم است. زیرا، چشم‌انداز اقتصادی و نظارتی ایران چالش‌های منحصر به فردی را ارائه می‌کند که فرار مالیاتی و فساد موضوعی نگران‌کننده هستند. از سوی دیگر، در ایران جایی که حاکمیت شرکتی و اجرای

نظارتی ممکن است از استحکام کمتری برخوردار باشد، ادراک و عملکرد مسئولیت اجتماعی می‌تواند بر نحوه رسیدگی شرکت‌ها به تعهدات مالیاتی و فساد تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، مطالعه‌ای توسط کوشی و همکاران (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که در محیط‌هایی با نظارت نظارتی ضعیف، شرکت‌هایی با شیوه‌های مسئولیت اجتماعی قوی ممکن است کمتر درگیر گزارش‌های متقلبانه باشند، زیرا این شرکت‌ها اغلب استانداردهای اخلاقی و شفافیت را در اولویت قرار می‌دهند. علاوه بر این، زمانی که شرکت‌ها فاقد احساس مسئولیت اجتماعی قوی هستند، اجتناب از مالیات و درگیر شدن در شیوه‌های فاسد به احتمال زیاد منجر به گزارش‌های تقلبی می‌شود. بنابراین، بررسی نقش میانجی مسئولیت اجتماعی در ایران ضروری است، زیرا ممکن است مسیرهایی را برای افزایش رفتار اخلاقی و شفافیت آشکار کند. پرداختن به این مسائل می‌تواند بینش‌های ارزشمندی را برای سیاست‌گذاران و کسب‌وکارها در ایران فراهم کند تا محیط شرکتی شفاف‌تر و پاسخگوتر را تقویت کنند. این تحقیق نه تنها برای بهبود حاکمیت شرکتی در ایران، بلکه برای کمک به گفتمان جهانی در مورد تعامل بین مسئولیت اجتماعی و اخلاق مالی حیاتی است. تأثیر متقابل بین مسئولیت اجتماعی شرکت و اقدامات مالی غیراخلاقی مانند فرار مالیاتی و گزارش‌دهی متقلبانه پیچیده است و نیازمند بررسی کامل است. زیرا، ابتکارات مسئولیت اجتماعی به طور بالقوه می‌تواند با تقویت استانداردهای اخلاقی و بهبود شفافیت در سازمان‌ها، رابطه بین استراتژی‌های اجتناب مالیاتی و رفتارهای گزارش‌دهی تقلبی را میانجی‌گری کند. در ایران، جایی که چارچوب‌های نظارتی و مکانیزم‌های اجرایی با چالش‌های مهمی مواجه هستند، درک این میانجی‌گری می‌تواند بینش‌های ارزشمندی برای تقویت یکپارچگی مالی و پاسخگویی ارائه دهد. شواهد نشان می‌دهد که شیوه‌های مسئولیت اجتماعی مؤثر می‌تواند احتمال رفتار غیراخلاقی را با ترویج فرهنگ صداقت و انطباق کاهش دهد.

از جنبه‌های نوآوری این تحقیق که آن را از دیگر تحقیقات مشابه در داخل (فروغی و همکاران، ۱۴۰۰، قادرزاده و همکاران، ۱۴۰۰، حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۸، حساس یگانه و رضایی، ۱۳۹۷، فروغی و همکاران، ۱۳۹۴). و خارج (سرهان، ۲۰۲۴، عبید و داماک، ۲۰۲۳، نگا و همکاران، ۲۰۲۰، السعدی، ۲۰۲۰، لیائو و همکاران، ۲۰۱۹، زینگ، ۲۰۱۹) متمایز می‌سازد این است که برای اولین بار این پژوهش اثر نقش میانجی‌گری مسئولیت اجتماعی در شیوه‌های رفتار مالیاتی بر گزارش‌گری متقلبانه بررسی می‌کند. اکثر

مطالعات پیشین این عوامل را به صورت مجزا یا به صورت روابط مستقیم بررسی می‌کنند. با این حال، گنجاندن مسئولیت اجتماعی به عنوان یک میانجی، دیدگاه جدیدی را معرفی می‌کند که چگونگی تأثیرگذاری رویه‌های اخلاقی و شهروندی شرکتی بر قدرت و جهت این روابط را در نظر می‌گیرد. این رویکرد یکپارچه اجازه می‌دهد تا درک دقیق‌تری از این که چگونه مسئولیت اجتماعی می‌تواند اثرات منفی شیوه‌های غیراخلاقی بر گزارشگری مالی را تعدیل کند، بنابراین بینش جدیدی را در مورد حاکمیت شرکتی موثر ارائه می‌دهد. بدیهی است یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند موجب گسترش ادبیات حسابداری و مالی مرتبط با موضوع پژوهش در کشورهای با اقتصاد نوظهور همانند ایران شود.

با توجه به این که سوء رفتارهای مالیاتی نظیر اجتناب و فرار مالیاتی و همچنین فساد مالیاتی می‌تواند به شکل‌گیری یا تقویت روش‌های ناپایدار و تقلبی در گزارشگری مالی منجر شود، در پژوهش حاضر ارتباط بین این عوامل و نقش مسئولیت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. پرسش اصلی این است که آیا مسئولیت اجتماعی می‌تواند به عنوان یک میانجی در کاهش تأثیرات منفی اجتناب، فرار و فساد مالیاتی بر رفتارهای گزارشگری متقلبانه عمل کند؟ تحلیل این موضوع می‌تواند نقش حیاتی مسئولیت اجتماعی در کنترل و پیشگیری از رفتارهای غیر اخلاقی و تقلبی در گزارشگری مالی را روشن سازد و نشان دهد که چقدر می‌تواند به عنوان یک عامل مداخله‌گر در این فرآیندها عمل کرده و به ایجاد تعادل و شفافیت بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌ها کمک کند. برای دستیابی به این اهداف، ساختار مقاله به این صورت است که ابتدا ادبیات نظری و تجربی مرتبط با فرضیه‌ها بیان شده، سپس روش‌شناسی و نتایج آمار توصیفی و استنباطی ارائه گردیده و در نهایت با نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها به پایان می‌رسد.

مبانی نظری و تدوین فرضیه‌ها

اجتناب مالیاتی و گزارشگری متقلبانه

اجتناب مالیاتی و گزارشگری متقلبانه مفاهیم مرتبط اما متمایز در حوزه مالی و حسابداری هستند. اجتناب مالیاتی شامل کاهش قانونی بدهی‌های مالیاتی از طریق برنامه‌ریزی استراتژیک و استفاده از قوانین و خلأهای مالیاتی است. از سوی دیگر، گزارشگری متقلبانه مستلزم ارائه عمدی اطلاعات گمراه‌کننده یا نادرست در صورت‌های

مالی به منظور فریب ذینفعان است (نگا و همکاران، ۲۰۲۰، قادرزاده و علوی، ۱۴۰۰). بنابراین، استراتژی‌های مالیاتی جسورانه ممکن است فرصت‌هایی برای رفتار متقلبانه ایجاد کند. زمانی که شرکت‌ها درگیر استراتژی‌های اجتناب از مالیات جسورانه می‌شوند، تمایل دارند که خطوط بین برنامه‌ریزی مالیاتی قانونی و ارائه نادرست تقلبی در گزارش‌های مالی را از بین ببرند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۲، محدنور و همکاران، ۲۰۱۰). تأثیر اجتناب مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه می‌تواند توسط نظریه‌های مختلف اقتصادی و رفتاری توضیح داده شود. یکی از تئوری‌های مورد استفاده در این زمینه، تئوری تحریک اجتناب مالیاتی است که بر اساس آن، اجتناب مالیاتی می‌تواند افراد را ترغیب به ارائه اطلاعات نادرست و گزارشگری متقلبانه کند. این تئوری تأکید می‌کند که اجتناب مالیاتی می‌تواند از طریق کاهش اعتماد افراد به نظام مالیاتی و حکومتی، تأثیرات منفی بر رفتارهای مالیاتی آن‌ها داشته باشد و افراد را به ارتکاب تخلفات مالیاتی ترغیب کند. همچنین، نظریه انگیزشی نیز می‌تواند تأثیر اجتناب مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه را توضیح دهد. بر اساس این نظریه، افراد تمایل دارند رفتاری را انجام دهند که به اهداف و انگیزه‌های شخصی‌شان مربوط است. اجتناب مالیاتی می‌تواند به عنوان یک راهبرد برای افراد باشد تا سود خود را افزایش دهند و در نتیجه، افراد ممکن است به رفتارهای مالیاتی غیرقانونی و گزارشگری متقلبانه روی آورند (لینوکس و همکاران، ۲۰۱۳). مطالعات همانند احمد و تاناکا (۲۰۲۳) نشان دادند که ارتباط مستقیمی بین طرح‌های پیچیده اجتناب از مالیات و افزایش احتمال دستکاری صورت‌های مالی وجود دارد به طوری که شرکت‌هایی که درگیر اجتناب مالیاتی جسورانه هستند، بیشتر مستعد درگیر شدن در شیوه‌های گزارش‌دهی مالی فریبنده، مانند تقلب شناسایی درآمد و کاهش هزینه‌ها هستند تا تأثیر واقعی استراتژی‌های مالیاتی خود را پنهان کنند. نگوین و پاتل (۲۰۲۳) نشان دادند که در حوزه‌های با چارچوب‌های نظارتی ضعیف‌تر، شرکت‌هایی که از استراتژی‌های اجتناب از مالیات تهاجمی استفاده می‌کنند، به طور قابل توجهی بیشتر درگیر گزارش‌های تقلبی هستند.

افزون بر این، طرح‌های اجتناب مالیاتی می‌توانند به ایجاد پیچیدگی‌ها و ساختارهای غیرشفاف در گزارشگری مالی منجر شوند و پنهان کردن فعالیت‌های متقلبانه را تسهیل نمایند (نگا و همکاران، ۲۰۲۰). تلاش برای کاهش بدهی‌های مالیاتی گاهی به طراحی ساختارهای شرکتی پیچیده یا معاملاتی می‌انجامد که به منظور مبهم کردن وضعیت مالی واقعی شرکت ایجاد شده‌اند.

این ساختارهای پیچیده می‌توانند بستری برای رفتارهای متقلبانه مانند اختلاس، تجارت داخلی یا تقلب در صورت‌های مالی فراهم کنند. به این ترتیب، اجتناب مالیاتی می‌تواند احتمال گزارشگری متقلبانه را افزایش دهد. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که به طرح‌های اجتناب مالیاتی جسورانه متوسل می‌شوند، ممکن است بیشتر در معرض دستکاری صورت‌های مالی برای پنهان کردن وضعیت مالی واقعی خود قرار گیرند (محدنور و همکاران، ۲۰۱۰). به این ترتیب، فرضیه اول به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: اجتناب مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه اثر دارد.

فرار مالیاتی و گزارشگری متقلبانه

تأثیر فرار مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه یکی از جنبه‌های بحرانی در حوزه مالی و اقتصاد است که ارتباط مستقیمی با سلامت و عدالت نظام مالیاتی دارد (نگا و همکاران، ۲۰۲۰). فرار مالیاتی به معنای کاهش غیرقانونی و پنهانی درآمدهای مالیاتی افراد است که می‌تواند از طریق انتقال منابع به کشورها و مناطق با مالیات کمتر، استفاده از شرکت‌های ساختگی و یا استفاده از تکنیک‌های دیگری صورت گیرد این رفتارها باعث کاهش درآمدهای دولت و مخارج عمومی می‌شود و منجر به تضییع منابع مالیاتی عمومی می‌گردد (استانکوویسیوس و لئوناس، ۲۰۱۵). گزارشگری متقلبانه یکی از پیامدهای مستقیم و اساسی فرار مالیاتی است (نگا و همکاران، ۲۰۲۰). افراد یا شرکت‌هایی که از فرار مالیاتی بهره می‌برند، ممکن است به ارائه اطلاعات نادرست یا جعلی در اظهارنامه‌های مالیاتی پردازند تا درآمدها و دارایی‌های خود را پنهان کنند. این اطلاعات غیرمعتبر می‌تواند شامل افزایش هزینه‌ها، کاهش درآمدها، یا استفاده از تخفیف‌های مالیاتی غیرمجاز باشد. این رفتارها باعث افزایش حجم فساد مالیاتی و نقض قوانین مالیاتی می‌شود و منجر به عدم اعتماد به سیستم مالیاتی و افزایش بار مالیاتی بر جامعه می‌گردد (نگا و همکاران، ۲۰۲۲). تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که فرار مالیاتی می‌تواند به عنوان عامل مهمی برای افزایش گزارشگری متقلبانه عمل کند. به عنوان مثال، نگا و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که هزینه‌های اجتماعی فرار مالیاتی می‌تواند به افزایش گزارشگری متقلبانه توسط افراد منجر شود. جانسون و همکاران (۲۰۲۳) دریافتند که شرکت‌هایی که از استراتژی‌های فرار مالیاتی استفاده می‌کنند، اغلب سطوح بالاتری از تقلب گزارشگری مالی را نشان می‌دهند به این صورت که این شرکت‌ها مرتباً صورت‌های مالی را دستکاری می‌کنند تا

شیوه‌های فرار مالیاتی خود را پنهان کنند. علاوه بر این، تحلیلی توسط لی و وانگ (۲۰۲۴) از طریق بررسی دقیق مطالعات موردی مربوط به رسوایی‌های شرکتی، پشتیبانی بیشتری را ارائه کرد. یافته‌های آن‌ها نشان داد که بسیاری از این موارد شامل فرار مالیاتی قابل توجه بوده و با تقلب گزارش‌گری مالی قابل توجهی همراه بوده است. این نشان می‌دهد که فرار مالیاتی نه تنها انگیزه می‌دهد، بلکه شیوه‌های گزارش‌دهی تقلبی را تسهیل می‌کند، زیرا سازمان‌ها تلاش می‌کنند سلامت مالی واقعی خود را پنهان کنند.

تأثیر فرار مالیاتی بر گزارش‌گری متقلبانه را می‌توان از طریق دریچه نظریه مثلث تقلب که توسط دونالد کرسی در سال ۱۹۵۳ ایجاد شد درک کرد. این نظریه بیان می‌کند که تقلب زمانی رخ می‌دهد که سه عنصر فرصت، فشار و منطقی بودن وجود داشته باشد (کرسی، ۱۹۵۳). در زمینه فرار مالیاتی، فرصت‌ها از ساختارهای پیچیده مالی و خلأهایی که به افراد یا سازمان‌ها امکان فرار مالیاتی را می‌دهد، ناشی می‌شود. این فرصت‌ها همچنین می‌توانند گزارش‌های متقلبانه را با ایجاد امکان دستکاری صورت‌های مالی برای پنهان کردن ماهیت واقعی فعالیت‌های اجتناب از مالیات تسهیل کنند. فشار به فشارهای مالی یا عملکردی اطلاق می‌شود که واحدها را وادار به انجام اقدامات فریبنده می‌کند. برای مثال، سازمان‌هایی که با نیاز به دستیابی به اهداف مالی یا اجتناب از عواقب بدهی‌های مالیاتی بالا مواجه هستند، ممکن است برای پنهان کردن تأثیر تلاش‌های فرار مالیاتی خود، به گزارش‌های تقلبی متوسل شوند. منطقی‌سازی شامل توجیه رفتار غیراخلاقی است که در آن واحدها ممکن است گزارش‌های تقلبی را اقدامی ضروری برای حفاظت از منافع مالی یا اهداف تجاری خود بدانند. مطالعات تجربی اخیر این چارچوب نظری را با نشان دادن اینکه شرکت‌هایی که درگیر اجتناب مالیاتی تهاجمی هستند، بیشتر احتمال دارد که صورت‌های مالی را دستکاری کنند تا پیامدهای استراتژی‌های مالیاتی خود را پنهان کنند (اسمیت، ۲۰۲۳؛ جانسون و همکاران، ۲۰۲۳). با توجه به مطالب بیان شده، فرضیه دوم به شرح زیر بیان می‌گردد:

فرضیه دوم: فرار مالیاتی بر گزارش‌گری متقلبانه اثر دارد.

فساد مالیاتی و گزارش‌گری متقلبانه

رابطه بین فساد مالیاتی و فرآیندهای گزارش‌گری متقلبانه بر موضوع فراگیری تأکید می‌کند که از مرزهای ملی و چارچوب‌های نظارتی فراتر می‌رود (تورگلر^{۱۷}، ۲۰۰۳، الم و

همکاران، ۲۰۱۵، باتاچاریا و اینس^{۱۸}، ۲۰۱۶، تران نام و ایوانز^{۱۹}، ۲۰۰۵). فساد مالیاتی با نفوذ در ساختارهای مالی، نه تنها مکانیسم‌های جمع‌آوری درآمد را مخدوش می‌کند، بلکه باعث ایجاد انگیزه در شیوه‌های گزارش‌دهی غیراخلاقی می‌شود که چرخه فریب و اطلاعات نادرست را تداوم می‌بخشد (تورگلر، ۲۰۰۳، الم و مارتینز-وازکز^{۲۰}، ۲۰۰۷).

براساس تئوری تحریک اقتصادی فساد مالیاتی می‌تواند افراد را ترغیب به ارائه اطلاعات نادرست و گزارشگری متقلبانه کند. زیرا فساد مالیاتی ممکن است به افراد انگیزه دهد تا از مالیات‌ها فرار کرده و از طریق ارائه اطلاعات نادرست به ادارات مالیاتی، مالیات‌های خود را کاهش دهند (کامینگز و همکاران^{۲۱}، ۲۰۰۹). بنابراین، هنگامی که یک شرکت برای فرار از مالیات اقدام به دستکاری صورت‌های مالی می‌کند، این عمل می‌تواند دید واقعی و منصفانه از وضعیت مالی واحد تجاری را تضعیف کرده و اعتبار صورت‌های مالی را به مخاطره بیندازد. این وضعیت می‌تواند منجر به انحراف در ارزیابی عملکرد مالی شرکت شود و عواقب جدی برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، و سایر سهامدارانی که به اطلاعات مالی دقیق متکی هستند، به دنبال داشته باشد (لدرمن، ۲۰۲۱)، گزارشگری متقلبانه به‌طور عمده به ارائه اطلاعات غلط یا ناقص به ادارات مالیاتی به منظور کاهش مالیات‌های قابل پرداخت یا ارائه اطلاعات نادرست به منظور جلوگیری از تشخیص مالیاتی توسط مالیات‌گذاران می‌پردازد (اسلمرود، ۲۰۰۷، ریاحی بلکوئی، ۲۰۰۴). به‌علاوه، کاهش اعتماد به نظام مالیاتی می‌تواند باعث افزایش رفتارهای مالیاتی غیرمطیع و ارتکاب جرم مالیاتی شود، که این موضوع می‌تواند گزارش‌گری متقلبانه را تشویق کند (تورگلر، ۲۰۰۷).

فساد مالیاتی می‌تواند به عنوان ابزاری برای ترویج یا افزایش گزارش‌گری متقلبانه استفاده شود. مثلاً افراد می‌توانند با ارائه اطلاعات نادرست یا از فرار مالیاتی بهره‌برداری کنند تا از پرداخت مالیات خودداری کنند. همچنین، برخی افراد ممکن است از طریق ایجاد ساختارهای مالی و حسابداری پیچیده و استفاده از روش‌های پنهان‌کاری مالیاتی، سعی در کاهش مالیات‌های خود داشته باشند (کامینگز و همکاران، ۲۰۰۹). مطالعات همانند براون و ویلسون (۲۰۲۴) نشان داد که چگونه مدیران درگیر در فساد مالیاتی اغلب رفتار متقلبانه را به عنوان یک شرط ضروری برای محافظت از سلامت مالی یا موقعیت رقابتی شرکت توجیه می‌کنند. این فرآیند منطقی به تداوم شیوه‌های گزارش‌دهی تقلبی کمک می‌کند، زیرا افراد اقدامات غیراخلاقی خود را در زمینه فرار مالیاتی توجیه می‌کنند. مطالعات تجربی

اخیر نشان داده است که چگونه فساد مالیاتی به طور قابل توجهی بر گزارش‌های تقلبی تأثیر می‌گذارد. اسمیت و جونز (۲۰۲۳) نشان داد که شرکت‌ها از پناهگاه‌های مالیاتی پیچیده برای فرار مالیاتی استفاده می‌کنند که منجر به دستکاری قابل توجهی در صورت‌های مالی آن شده است. این شامل افزایش درآمدها و ارائه نادرست هزینه‌ها بود که در نتیجه تأثیر مالی شیوه‌های فرار مالیاتی آن را پنهان می‌کرد. نگوین و رابرتز (۲۰۲۴) دریافتند که فساد مالیاتی شرکت منجر به دستکاری‌های حسابداری قابل توجهی از جمله پنهان کردن زیان‌های مربوط به مالیات و افزایش عملکرد مالی شده است. این مورد نشان می‌دهد که چگونه فساد مالیاتی محیطی را برای گزارش‌های متقلبانه ایجاد کرده است، زیرا آنها از روش‌های فریبنده برای محافظت از اعتبار مالی خود استفاده می‌کنند. بنابراین، فساد مالیاتی می‌تواند به عنوان عامل ایجاد انگیزه‌هایی برای گزارش‌گری متقلبانه عمل کند، زیرا افراد با کاهش اعتماد به نظام مالیاتی و حکومتی، ممکن است ارزش اخلاقی و اجتماعی خود را در قبال پرداخت مالیات کاهش دهند. به این ترتیب فرضیه سوم به شرح زیر مطرح می‌گردد:

فرضیه سوم: فساد مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه اثر دارد.

مسئولیت اجتماعی، اجتناب، فرار، فساد مالیاتی و گزارشگری متقلبانه

اثرات اجتناب، فرار و فساد مالیاتی بر مسئولیت اجتماعی پدیده‌هایی هستند که از جوانب مختلفی بر جامعه تأثیر می‌گذارند. بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که این اقدامات نه تنها به عواقب اقتصادی، بلکه به عواقب اجتماعی و اخلاقی نیز دست می‌دهند. از یک سو، فرار مالیاتی و فساد مالیاتی می‌تواند منجر به کاهش اعتماد عمومی به نظام مالیاتی و دولت شود (گارک، ۲۰۱۹). اعتماد مردم به نظام مالیاتی اساسی‌ترین عنصری است که می‌تواند از رعایت قوانین مالیاتی و اجرای عادلانه آن‌ها تشکیل دهد. همچنین، این اقدامات می‌توانند به تخریب ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی منجر شوند، زیرا ممکن است با تضعیف احترام به قوانین و مقررات، ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی تحت تأثیر قرار بگیرند. بررسی‌های اخیر (مارتینز و گومز، ۲۰۲۳، لی و چن، ۲۰۲۴) نشان می‌دهد که این اقدامات می‌توانند نیز به تضعیف اعتبار دولت و نظام قانونی منجر شوند. در نهایت، فرار مالیاتی و فساد مالیاتی می‌تواند از یک دیدگاه اخلاقی، منجر به تخریب اعتقادات اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی شود، که این امر می‌تواند به کاهش مسئولیت اجتماعی فردی و

سازمانی منجر شود (گریناوا، ۲۰۱۵). تحقیقات (رابرتز و وانگ، ۲۰۲۴، دیویس و آدامز، ۲۰۲۴، کیم و پاتل، ۲۰۲۴، وانگ و همکاران، ۲۰۲۳) نشان دادند که این شیوه‌ها فرار و فساد مالیاتی می‌توانند ساختار جامعه را از طرق مختلف تضعیف کنند. اولاً، آنها اعتماد به نهادهای دولتی و خود سیستم مالیاتی را که برای تقویت مسئولیت اجتماعی در میان شهروندان بنیادی هستند، از بین می‌برند (هاسلدین و موریس، ۲۰۱۳). ثانیاً، اجتناب مالیاتی، فرار و فساد می‌تواند با کاهش منابع موجود برای خدمات عمومی ضروری و برنامه‌های رفاهی منجر به زوال ساختارهای اجتماعی شود و در نتیجه مانع از تلاش‌ها برای ارتقای مسئولیت اجتماعی شود (پریوس، ۲۰۱۰). ثالثاً، آنها نابرابری اجتماعی را با انتقال بار مالیاتی بر روی کسانی که از تعهدات مالیاتی پیروی می‌کنند، تشدید می‌کنند، در حالی که به دیگران اجازه می‌دهند از مسئولیت‌های خود فرار کنند، و شکاف بین افراد ممتاز و محروم را افزایش می‌دهند (شفر و همکاران، ۲۰۱۶). در اصل، اجتناب مالیاتی، فرار و فساد نه تنها پیامدهای اقتصادی دارد، بلکه عمیقاً بر بافت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. تحقیقات نشان می‌دهد که مبارزه با تخلفات مالیاتی برای ترویج جامعه عادلانه‌تر و عادلانه‌تر، که در آن کسب و کارها و افراد تعهدات اجتماعی خود را از طریق رعایت مسئولیت مالیاتی انجام می‌دهند، حیاتی است (ویمپ و لنون ۲۰۲۲، ۲۰۱۶).

تحقیقات اخیر رابطه پیچیده بین مسئولیت اجتماعی و رفتارهای غیراخلاقی مرتبط با مالیات مانند اجتناب، فرار و فساد و تأثیر متعاقب آنها بر شیوه‌های گزارش‌دهی تقلبی را روشن کرده است. در این باره، اندرسون و کارتر (۲۰۲۴) نشان دادند که ابتکارات مسئولیت اجتماعی مرتبط با حاکمیت محیطی و اجتماعی به طور قابل توجهی احتمال گزارش‌های تقلبی کاهش می‌دهد. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی با ترویج رفتار اخلاقی و تقویت حاکمیت شرکتی به کاهش اثرات منفی فساد مالیاتی کمک می‌کند. گارک (۲۰۱۹) نقش محوری مسئولیت اجتماعی را به عنوان یک عامل بازدارنده و میانجی در زمینه رعایت مالیات و گزارش‌دهی برجسته می‌کند. مسئولیت اجتماعی، که به عنوان تعهد اخلاقی افراد و سازمان‌ها برای اقدام به نفع جامعه تعریف می‌شود، به طور قابل توجهی بر رفتارهای مالیاتی تأثیر می‌گذارد. افراد و نهادهایی که دارای احساس مسئولیت اجتماعی قوی هستند، کمتر درگیر فرار مالیاتی، فرار یا فساد هستند، زیرا آنها پیامدهای اجتماعی گسترده‌تر این اقدامات را درک می‌کنند (هوی و همکاران ۲۰۱۳، ۲۰۱۳). علاوه بر

این، سطوح بالاتر مسئولیت اجتماعی به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر گزارش‌های تقلبی عمل می‌کند، زیرا بازیگران اخلاق مدار تمایل بیشتری به رعایت قوانین و مقررات مالیاتی دارند. با پرورش فرهنگ مسئولیت اجتماعی، افراد و سازمان‌ها می‌توانند در پیشگیری از اعمال مالیاتی غیراخلاقی و کاهش خطرات مرتبط با گزارش‌های متقلبانه مشارکت کنند (شفر و همکاران، ۲۰۱۶). این یافته‌ها بر اهمیت ادغام ملاحظات مسئولیت اجتماعی در سیاست‌های مالیاتی و چارچوب‌های انطباق برای ترویج رفتار اخلاقی و افزایش شفافیت در شیوه‌های گزارش‌دهی مالیاتی تأکید می‌کند.

بنابراین، مسئولیت اجتماعی نقشی اساسی در تأثیرگذاری بر رفتارهای مربوط به اجتناب مالیاتی، فرار، فساد و تأثیر متعاقب آن بر گزارش‌دهی متقلبانه در شرکت‌ها دارد. در این باره، تحقیقات کمپبل و همکاران (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که تعهد قوی به مسئولیت اجتماعی دارند، احتمالاً سطوح پایین‌تری از اجتناب مالیاتی را نشان می‌دهند، زیرا ملاحظات اخلاقی شیوه‌های مالی آنها را هدایت می‌کند. علاوه بر این، مطالعه گارک و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند شرکت‌هایی که مسئولیت اجتماعی بالاتری از خود نشان می‌دهند، تمایل کمتری به درگیر شدن در اعمال فاسد دارند، و رفتار اخلاقی را جزء لاینفک عملیات تجاری پایدار می‌دانند. این موضع اخلاقی بسیار مهم است زیرا فرار مالیاتی و فساد نه تنها اعتماد جامعه را تضعیف می‌کند، بلکه اعتبار شرکت را نیز از بین می‌برد. جیانگ و وانگ (۲۰۱۹) دریافتند که مسئولیت اجتماعی به عنوان یک عامل بازدارنده عمل می‌کند و با ترویج شفافیت، مسئولیت‌پذیری و رعایت استانداردهای اخلاقی، احتمال گزارش‌های تقلبی را در سازمان‌ها کاهش می‌دهد. پذیرش مسئولیت اجتماعی فرهنگ یکپارچگی و مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند و در نتیجه رویه‌های حاکمیت شرکتی را بهبود می‌بخشد که تأثیر منفی سوء رفتارهای مربوط به مالیات بر یکپارچگی گزارش‌گری مالی را کاهش می‌دهد (هارجوتو، ۲۰۱۷). بنابراین، این مطالعات در مجموع بر نقش مهم مسئولیت اجتماعی در شکل‌دهی رفتار اخلاقی شرکت و حفظ شفافیت مالی، در نهایت کاهش وقوع تخلفات مالیاتی و گزارش‌های متقلبانه در سازمان‌ها تأکید می‌کنند.

نقش میانجی‌گری مسئولیت اجتماعی در اثرگذاری اجتناب، فرار، فساد مالیاتی بر گزارش‌گری متقلبانه را می‌توان از طریق نظریه ذینفعان و نظریه مشروعیت بررسی کرد. تئوری ذینفعان بر اهمیت ایجاد توازن بین منافع ذینفعان مختلف از جمله سهامداران،

کارکنان، مشتریان و جامعه بزرگتر تأکید می‌کند (فریمن، ۱۹۸۴). بر اساس این نظریه، ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکت نقش مهمی در رسیدگی به نگرانی‌های ذینفعان و تقویت اعتماد ایفا می‌کند. هنگامی که شرکت درگیر اجتناب مالیاتی یا فرار مالیاتی می‌شود، خطر تضعیف اعتماد سهامداران و آسیب رساندن به شهرت آن را به همراه دارد. شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت، مانند گزارش‌دهی شفاف مالیاتی و حاکمیت اخلاقی، به عنوان مکانیسم‌هایی برای همسو کردن اقدامات شرکت با انتظارات ذینفعان عمل می‌کنند. در این باره، مطالعه پاتل و تامپسون (۲۰۲۲) نشان داد شرکت‌هایی که برنامه‌های مسئولیت اجتماعی قوی دارند، علیرغم درگیر شدن در اجتناب مالیاتی، سطوح پایین‌تری از گزارش‌های متقلبانه را تجربه کردند. این نشان می‌دهد که ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکت با ترویج مسئولیت‌پذیری و رفتار اخلاقی به حفظ یکپارچگی مالی کمک می‌کند، بنابراین رابطه بین اجتناب مالیاتی و گزارش‌های تقلبی را میانجی‌گری می‌کند. تئوری مشروعیت معتقد است که سازمان‌ها به دنبال همسویی عملکرد خود با انتظارات اجتماعی برای به دست آوردن و حفظ مشروعیت هستند (سوچمن، ۱۹۹۵). مسئولیت اجتماعی شرکت یک پاسخ استراتژیک به این فشارهای اجتماعی است که به شرکت‌ها کمک می‌کند تا تعهد خود را به اقدامات اخلاقی و مسئولیت اجتماعی نشان دهند. در زمینه فساد مالیاتی، ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکت می‌تواند با ارائه تصویری مثبت و کاهش ادراکات منفی به عنوان یک حائل عمل کند. به عنوان مثال، تحقیقات وانگ و همکاران (۲۰۲۳) دریافته‌اند که شرکت‌هایی با چارچوب‌های مسئولیت اجتماعی شرکت قوی علیرغم مواجهه با مسائل فساد مالیاتی، کمتر درگیر گزارش‌های تقلبی هستند. این اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکت، از جمله اقدامات ضد فساد و رفتار تجاری اخلاقی، به شرکت‌ها کمک می‌کند تا مشروعیت خود را حفظ کنند و خطر گزارش نادرست مالی را کاهش دهند. بعلاوه، ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکت که بر حاکمیت اخلاقی و شفافیت تمرکز دارد، در پرداختن به چالش‌های ناشی از فرار مالیاتی ضروری است. در این باره، گارسیا و لی (۲۰۲۳) نشان داد شرکت‌هایی در بخش خرده‌فروشی که شیوه‌های جامع مسئولیت اجتماعی شرکت را اتخاذ کردند، بهتر می‌توانستند تأثیرات منفی اجتناب مالیاتی تهاجمی را بر گزارشگری مالی خود مدیریت کنند. عبارتی دیگر، فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت، مانند افزایش شیوه‌های افشا و مشارکت جامعه، ترویج شفافیت و

استانداردهای اخلاقی به کاهش رفتار متقلبانه کمک می‌کند. علاوه بر این، نقش مسئولیت اجتماعی شرکت در تعدیل اثرات فساد مالیاتی بر گزارش‌گری مالی توسط تحقیقات اخیر پشتیبانی شده است. دیویس و آدامز (۲۰۲۴) شرکت‌های چندملیتی را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که چارچوب‌های جامع مسئولیت اجتماعی شرکت، به ویژه آنهایی که بر مبارزه با فساد و حکمرانی تأکید دارند، به طور قابل توجهی احتمال گزارش‌های تقلبی را کاهش می‌دهند. در واقع، ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکت به شرکت‌ها کمک می‌کند تا با تقویت رفتار اخلاقی و تقویت حاکمیت شرکتی در محیط‌های پیچیده مالیاتی حرکت کنند. این یافته‌ها در مجموع بر نقش مهم مسئولیت اجتماعی شرکت در میانجی‌گری رابطه بین اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، فساد مالیاتی و گزارش‌های تقلبی تأکید می‌کنند. زیرا، ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکت با پرورش فرهنگ شفافیت، پاسخگویی و رفتار اخلاقی به کاهش اثرات منفی شیوه‌های مالیاتی غیراخلاقی بر گزارش‌گری مالی کمک می‌کند. با این ترتیب، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

فرضیه چهارم: مسئولیت اجتماعی بر اجتناب مالیاتی و گزارش‌گری متقلبانه اثر میانجی دارد.

فرضیه پنجم: مسئولیت اجتماعی بر فرار مالیاتی و گزارش‌گری متقلبانه اثر میانجی دارد.

فرضیه ششم: مسئولیت اجتماعی بر فساد مالیاتی و گزارش‌گری متقلبانه اثر میانجی دارد.

پیشینه تجربی

سرهان^{۲۴} (۲۰۲۴) در پژوهشی ارتباطی میان مسئولیت اجتماعی شرکت و اجتناب مالیاتی با تأثیر ساختار سهام بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد سهامداری نهادی رابطه مثبت بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و شهروندی مالیاتی را کاهش می‌دهد. با این حال، ارتباط بین شهروندی اجتماعی و مالیاتی شرکت‌ها برای شرکت‌هایی که دارای سهام مدیریتی ریشه‌دار هستند، بزرگ‌تر می‌شود. یافته‌های تجربی، سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران مالیاتی را در مورد نیاز به در نظر گرفتن ساختار سهامداری شرکت که خطر اجتناب مالیاتی را بزرگ‌تر/کاهش می‌کند، آگاه می‌سازد.

عبید و داماک^{۲۵} (۲۰۲۳) در پژوهشی ارتباطی میان مسئولیت اجتماعی شرکت و اجتناب مالیاتی بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌هایی

که نمرات مسئولیت اجتماعی بالایی دارند، احتمال بیشتری برای اجتناب از مالیات جسورانه دارند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که شرکت‌هایی که توسط حسابرسان با کیفیت بالا حسابرسی می‌شوند، به احتمال زیاد در مسئولیت اجتماعی برای پوشش در برابر پیامدهای بالقوه شیوه‌های اجتناب از مالیات جسورانه مشارکت دارند. نگا و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی فرار مالیاتی از طریق گزارشگری مالی تقلبی در میان شرکت‌های کوچک و متوسط بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد شرکت‌های مالکیت خانوادگی و اندازه شرکت با شیوه‌های فرار مالیاتی شناسایی شده در طول حسابرسی مالیاتی رابطه مثبت معنی‌داری دارند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که حسابرسی مالیاتی انجام شده بر افزایش فعالیت‌های فرار مالیاتی در میان شرکت‌های کوچک و متوسط تأثیر مثبت دارد.

السعدی^{۲۶} (۲۰۲۰) در پژوهشی ارتباط میان انطباق گزارشگری مالیاتی مالی، اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد ارتباط مثبتی بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی وجود دارد، و شرکت‌هایی که در حوزه‌های قضایی با انطباق پایین گزارش‌دهی مالیاتی فعالیت می‌کنند، احتمالاً با شیوه‌های اجتناب از مالیات جسورانه، در مسئولیت اجتماعی شرکت شرکت می‌کنند.

لیائو و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط میان مسئولیت اجتماعی شرکت و تقلب مالی پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که امتیازات مسئولیت اجتماعی شرکت با فعالیت‌های مالی متقابلانه ارتباط منفی دارد و شرکت‌های مسئولیت اجتماعی کمتر درگیر تقلب مالی هستند. همچنین رابطه منفی برای عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت نسبت به افشای مسئولیت اجتماعی شرکت معنی‌دارتر است. علاوه بر این، اثر منفی مسئولیت اجتماعی برای شرکت‌هایی با شیوه‌های داوطلبانه مسئولیت اجتماعی، مشارکت‌های مداوم مسئولیت اجتماعی، فشار مالی و ضعف‌های کنترل داخلی بارزتر است.

زینگک^{۲۷} (۲۰۱۹) در پژوهشی رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی را بررسی کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که مسئولیت اجتماعی با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت دارد. همچنین نتایج دیگر نشان داد در کشورهایی با حکمرانی ضعیف و شرکت‌هایی که امتیازات مسئولیت اجتماعی بالاتری دارند در اجتناب مالیاتی کمتری شرکت می‌کنند. مطلبی و عزیززاده (۱۴۰۳) در پژوهشی رابطه بین متغیرهای کلان اقتصادی و فرار مالیاتی بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که برای کاهش فرار مالیاتی لازم است سهم نفت

در تولید ناخالص داخلی کاهش یابد و سهم بهره‌وری در تولید افزایش یابد. برای متغیرهای بار مالیات مستقیم، مخارج تحصیل عمومی، مخارج دولتی منهای تحصیل، ضریب جینی و پول نقد خارج از بانک وجود قانون کوزنتس رد می‌شود؛ اما، وجود رابطه غیرخطی تأیید می‌شود.

فروغی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی تاثیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر گزارش‌گری مالی متقلبانه پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد گزارش مسئولیت اجتماعی بر گزارش‌گری مالی متقلبانه تاثیر منفی دارد و با افزایش امتیاز مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، احتمال گزارش‌گری مالی متقلبانه کاهش می‌یابد. بنابراین، شرکت‌های با مسئولیت اجتماعی، بیشتر تمایل دارند که فعالیت‌های اخلاقی را برای رسیدن به رفاه اجتماعی دنبال کنند. بنابراین انگیزه کمتری برای انجام فعالیت متقلبانه دارند.

قادرزاده و علوی (۱۴۰۰) در پژوهشی بررسی تاثیر مسئولیت اجتماعی و مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی شرکتی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد. همچنین مالکیت خانوادگی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی را تعدیل نمی‌کند. بنابراین، وجود مسئولیت اجتماعی شرکتی موجب کاهش اجتناب مالیاتی در شرکت‌های مورد مطالعه گردید. مالکیت خانوادگی ماهیت همپوشانی با مسئولیت اجتماعی داشته اما تعامل آن با مسئولیت اجتماعی به تقویت ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی منجر نگردید.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تأثیر ابعاد منتخب مسئولیت اجتماعی شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی بررسی کردند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد مؤلفه‌های اشتغال و رویه‌های کار و کارکنان، سرمایه‌گذاری مسئولانه و اخلاق کسب و کار/ رویه‌های عملیاتی منصفانه، تأثیر مثبت و معنی‌دار بر اجتناب مالیاتی دارند و مؤلفه‌های فساد، رشوه‌خواری و پول‌شویی، حقوق بشر، اقدامات و راهکارهای زیست‌محیطی، رعایت و پیروی از قوانین و مقررات مربوط، رعایت قوانین و مقررات مربوط به زیست محیط، تأثیر منفی و معنی‌دار بر اجتناب مالیاتی دارد.

حساس یگانه و رضایی (۱۳۹۷) در پژوهشی تاثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی بررسی کردند. یافته‌های آنها نشان داد ارتباطی معنادار بین مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت با اجتناب و

فرار مالیاتی وجود دارد. به طوری که دو متغیر حاکمیت شرکتی و جامعه (ابعاد مسولیت اجتماعی) بر رابطه بین هزینه‌های مدیریت مالیاتی و اجتناب و فرار مالیاتی موثر بوده اما تأثیر بعد متغیر تنوع معنادار نبوده است.

فروغی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی رابطه بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری بررسی کردند. نتایج تحقیق دلالت بر وجود رابطه مستقیم و معنی‌دار میان اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌ها در زمانی که معیار سنجش اجتناب مالیاتی نرخ موثر مالیات نقدی و اختلاف دائمی مالیات باشد، دارد. همچنین در زمانی که اجتناب مالیاتی با نرخ موثر مالیات نقدی بلندمدت سنجیده می‌شود، رابطه معناداری میان اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌ها مشاهده نشد.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت روش توصیفی - همبستگی است. همچنین، این پژوهش از لحاظ زمان از نوع پس رویدادی است و از لحاظ نوع استدلال برای نتیجه‌گیری جزء پژوهش‌های استقرایی محسوب می‌شود. برای آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون چندگانه و لجستیک استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که برای انتخاب نمونه شرایط زیر در نظر گرفته شد که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. روند انتخاب نمونه

۶۰۳	تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در پایان سال ۱۴۰۱
	معیارها:
(۲۱۱)	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی ۱۴۰۱-۹۲ در بورس فعال نبوده‌اند.
(۱۴۱)	تعداد شرکت‌هایی از سال ۹۲ به بعد در بورس پذیرفته شده‌اند.
(۳۱)	تعداد شرکت‌هایی که جز هلدینگ، سرمایه‌گذاری‌ها، واسطه‌گری‌های مالی، بانک‌ها و یالیزینگ‌ها بوده‌اند.
(۵۹)	تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند نبوده و یا در قلمرو زمانی تحقیق تغییر سال مالی داده‌اند.
(۱۵)	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی تحقیق اطلاعات مورد آن‌ها در دسترس نمی‌باشد.
۱۴۶	تعداد شرکت‌های نمونه

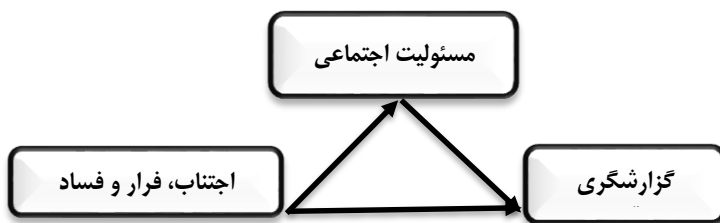
بعد از مدنظر قرار دادن معیارهای بالا، تعداد ۱۴۶ شرکت به عنوان جامعه غربالگری شده باقیمانده است که همه آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند.

مدل‌های تجربی

هدف اصلی پژوهش بررسی نقش میانجی افشای مسئولیت اجتماعی در اثرگذاری اجتناب از مالیات، فرار مالیاتی و فساد بر گزارش‌گری متقلبانه می‌باشد. به منظور سنجش نقش میانجی از رویکرد بارون کنی (۱۹۸۳) استفاده شده است. این رویکرد بر پایه تئوری رابطه میانجی تأکید دارد که بر اساس آن، متغیری که در میان می‌آید (متغیر میانجی) نقشی را در رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته ایفا می‌کند. بارون کنی (۱۹۸۳) برای اثر وجود متغیر میانجی سه فرضیه زیر را در نظر گرفته است در شکل ۱ به تصویر کشیده شده است:

- ۱) متغیر یا متغیرهای مستقل بر متغیر میانجی اثر داشته باشد (مدل ۱ پژوهش)،
 - ۲) متغیر مستقل بر متغیر وابسته اثر داشته باشد (مدل ۲ پژوهش)،
 - ۳) متغیر میانجی باید بر متغیر وابسته در مدل رگرسیون متشکل از متغیرهای مستقل و میانجی بر متغیر وابسته تأثیر داشته باشد (مدل ۳ پژوهش).
- بارون کنی (۱۹۸۶) بیان داشت که اثر میانجی کامل زمانی ایجاد می‌شود که متغیر یا متغیرهای

مستقل در مدل ۳ هیچ تاثیری بر متغیر وابسته نداشته باشند؛ اما در مدل ۱۳ اگر متغیر مستقل بر متغیر وابسته تاثیر کمتری نسبت به مدل ۲ داشته باشد در آن صورت متغیر میانجی جزئی خواهد بود. در صورت پذیرش شرایط فوق آزمون سوبل رایج ترین روش آزمون ضرایب میانجی است. این چارچوب توسط مایکل سوبل در سال ۱۹۸۲ ارائه شد. آزمون سوبل جهت بررسی معنی داری متغیر میانجی (واسطه) در رابطه میان متغیر مستقل و وابسته استفاده می شود. یعنی اینکه آیا اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته از طریق متغیر میانجی، قابل توجه است یا خیر؟ از آنجا که آزمون سوبل به صورت مستقیم قابل محاسبه نیست و برای به دست آوردن آن پس از محاسبه ضرایب رگرسیونی از سایت‌های آنلایین استفاده می‌شود. در این پژوهش از سایت <https://www.analyticscalculators.com/calculator.aspx?id=31> استفاده شده است.



شکل ۱: چارچوب رویکرد بارون کنی (۱۹۸۶) در متغیرهای مدل های پژوهش

پس از بیان شروط، به تدوین مدل‌های تجربی برای آزمون شروط های رویکرد بارون کنی (۱۹۸۳) پرداخته می‌شود. براین اساس برای آزمون فرضیه اول پژوهش که به تاثیر معناداری متغیر یا متغیرهای مستقل (اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و فساد مالیاتی) بر متغیر میانجی (مسئولیت اجتماعی) می پردازد. از مدل رگرسیونی ۱ چندگانه به شرح زیر استفاده شده است.

مدل (۱)

$$\begin{aligned}
 CSR_{i,t} = & \beta_0 + \beta_1 Tax Avoid_{i,t} + \beta_2 Tax Eev_{i,t} + \beta_3 Tax Corrup_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} \\
 & + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 BS_{i,t} + \beta_9 SG_{i,t} + \beta_{10} AGE_{i,t} \\
 & + \sum_{i=1}^n \beta_{i,t} Year + \sum_{i=1}^n \beta_{i,t} Industry + \epsilon_{i,t}
 \end{aligned}$$

در این مدل مسئولیت اجتماعی (CSR) متغیر وابسته است. متغیرهای مستقل شامل اجتناب

مالیاتی (TaxAvoid)، فرار مالیاتی (TaxEev) و فساد مالیاتی (TaxCorrup) می‌باشند. متغیرهای کنترلی شامل اندازه شرکت (Size)، نسبت ارزش بازار (MTB)، اهرم مالی (LEV)، بازده دارایی‌ها (ROA)، اندازه هیات مدیره، (BS)، نرخ رشدی در آمدی فروش (SG)، عمر شرکت (AGE)، اثرات سال (Year) و اثرات صنعت (Industry) می‌باشد. مدل رگرسیونی ۲ برای آزمون فرضیه دوم رویکرد بارون کنی (۱۹۸۶) تدوین شده است. این مدل در واقع به بررسی آزمون فرضیه‌های اول تا سوم می‌پردازد.

مدل (۲)

$$FR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TaxAvoid_{i,t} + \beta_2 TaxEev_{i,t} + \beta_3 TaxCorrup_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 BS_{i,t} + \beta_9 SG_{i,t} + \beta_{10} AGE_{i,t} + \sum_{i=1}^n \beta_{i,t} Year + \sum_{i=1}^n \beta_{i,t} Industry + \epsilon_{i,t}$$

در این مدل، متغیر وابسته گزارشگری متقلبانه (FR) است. متغیرهای مستقل شامل اجتناب مالیاتی (TaxAvoid)، فرار مالیاتی (TaxEev) و فساد مالیاتی (TaxCorrup) می‌باشند. متغیرهای کنترلی شامل اندازه شرکت (Size)، نسبت ارزش بازار (MTB)، اهرم مالی (LEV)، بازده دارایی‌ها (ROA)، اندازه هیات مدیره، (BS)، نرخ رشدی در آمدی فروش (SG)، عمر شرکت (AGE)، اثرات سال (Year) و اثرات صنعت (Industry) می‌باشد. در نهایت برای آزمون فرضیه سوم رویکرد بارون کنی (۱۹۸۳) که به بررسی آزمون فرضیه‌های چهارم تا ششم می‌پردازد، مدل رگرسیونی (۳) تدوین شده است. در این مدل متغیر میانجی مسئولیت اجتماعی پس از متغیرهای مستقل به مدل ۲ اضافه شده است که به شرح زیر است:

مدل (۳)

$$FR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TaxAvoid_{i,t} + \beta_2 TaxEev_{i,t} + \beta_3 TaxCorrup_{i,t} + \beta_4 CSR_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \beta_7 LEV_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 BS_{i,t} + \beta_{10} SG_{i,t} + \beta_{11} AGE_{i,t} + \sum_{i=1}^n \beta_{i,t} Year + \sum_{i=1}^n \beta_{i,t} Industry + \epsilon_{i,t}$$

در این مدل، متغیر وابسته گزارشگری متقلبانه (FR) است. متغیر مستقل پژوهش سه شیوه استراتژی مالیاتی شامل اجتناب مالیاتی (TaxAvoid)، فرار مالیاتی (TaxEev) و فساد مالیاتی (TaxCorrup) می‌باشد. متغیر میانجی مسئولیت اجتماعی (CSR) است.

متغیرهای کنترلی شامل اندازه شرکت (Size)، نسبت ارزش بازار (MTB)، اهرم مالی (LEV)، بازده دارایی‌ها (ROA)، اندازه هیات مدیره، (BS)، نرخ رشدی درآمدی فروش (SG)، عمر شرکت (AGE)، اثرات سال (Year) و اثرات صنعت (Industry) می‌باشد.

نحوه اندازه‌گیری متغیرها

گزارشگری متقلبانه: اکثر مطالعات اندازه‌گیری در حوزه کشف گزارشگری متقلبانه نشان دادند که نسبت‌های مالی سودمندترین ابزار برای شناسایی تقلب در گزارشگری مالی هستند (کامینزکی و همکاران، ۲۰۰۴، کانایکین و گراندین، ۲۰۱۵). از این رو در پژوهش حاضر از مدل تعدیل شده بنیش که توسط کردستانی و تاتلی (۱۳۹۵) با توجه به فضای پژوهشی ایران بومی شده است، استفاده گردید.

Adj – Mscore

$$\begin{aligned} &= 0.002 + 2.665(TATA) + 0.257(LVGI) \\ &+ 0.024(SGAI) - 0.641(DEPI) \\ &+ 0.19(SGI) + 0.004(AQI) - 0.032(GMI) \\ &- 0.061(DSRI) \end{aligned}$$

در این رابطه، اقلام تعهدی (TATA)، اهرم مالی (LVGI)، هزینه عمومی، اداری و فروش (SGAI) و هزینه استهلاک (DEPI)، رشد فروش (SGI)، کیفیت دارایی (AQI)، حاشیه سود ناخالص (GMI)، فروش‌های نسبی (DSRI)، می‌باشد. سپس برای شناسایی گزارشگری متقلبانه از متغیر مجازی (۱ و ۰) استفاده شده است. به این ترتیب اگر مقدار شاخص بدست آمده بیش از ۰/۵ باشد عدد یک به آن اختصاص می‌یابد. در غیر این صورت عدد صفر به آن تعلق می‌گیرد.

اجتناب مالیاتی

برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از تقسیم مالیات نقدی پرداخت شده به سود قبل از مالیات استفاده شده است (گارگ و همکاران، ۲۰۲۲، کیم و همکاران، ۲۰۱۱، پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۲).

فرار مالیاتی

برای اندازه‌گیری فرار مالیاتی از شاخص پژوهش‌های نمازیان و همکاران (۱۴۰۰) و

نمازی و صادق‌زاده مهارلوئی (۱۳۹۶) استفاده شده است. این شاخص شامل اعداد صورت‌های مالی، نسبت‌های مالی و بند مالیاتی در گزارش حسابرسی می‌باشد. برای محاسبه اعداد صورت‌های مالی و نسبت‌های مالی از متغیر مجازی (۱ و ۰) استفاده شده است به این صورت که ابتدا میانگین اعداد صورت‌های مالی و نسبت‌های مالی (مثلاً عدد سود عملیاتی، نسبت جاری) برای تمام شرکت‌های یک صنعت محاسبه می‌شود، اگر عدد بدست آمده بیش از میانگین بود عدد یک در غیر این صورت عدد صفر لحاظ شده است. برای اندازه‌گیری بند مالیاتی در گزارش حسابرسی از متغیر مجازی (۱ و ۰) بکار گرفته شده است. در صورتی که اگر شرکتی در مبانی گزارش حسابرسی خود بند مالیاتی داشته باشد عدد یک در غیر این صورت صفر می‌باشد. در نهایت میانه سه مولفه اعداد صورت‌های مالی، نسبت‌های مالی و بند مالیاتی در گزارش حسابرسی محاسبه شده است. شرکت‌های که عدد آنها بیش از میانه باشد عدد یک در غیر این صورت صفر لحاظ می‌شود. پس از انتخاب شرکت‌ها، جمع اعداد مربوط به مولفه‌ها به تعداد مولفه‌ها تقسیم می‌شود نسبت بدست آمده نشان دهنده فرار مالیاتی شرکت می‌باشد (نمازیان و همکاران، ۱۴۰۰، نمازی و صادق‌زاده مهارلوئی، ۱۳۹۶).

فساد مالیاتی

برای اندازه‌گیری فساد مالیاتی، از شاخص پژوهش نمازیان و همکاران (۱۴۰۰) استفاده شده است. آنها در شاخص فساد مالیاتی از معیارهای عدم شفافیت گزارشگری مالی شامل هموارسازی سود، ارقام تعهدی، کیفیت حسابرسی و سپر مالیاتی و افزایش هزینه‌های عمومی و اداری استفاده کرده‌اند. برای محاسبه شاخص فساد مالیاتی، برای هر یک از معیارها از متغیر مجازی (۱ و ۰) استفاده شده است. در صورتی که عدد بدست آمده برای هر یک از معیارها بیش از میانگین معیار در صنعت مربوطه باشد عدد یک در غیر این صورت صفر لحاظ می‌شود. در نهایت میانه تمام معیارهای عدم شفافیت گزارشگری مالی به صورت یکجا محاسبه شده است. شرکت‌های که عدد آنها بیش از میانه باشد عدد یک در غیر این صورت صفر لحاظ می‌شود. پس از انتخاب شرکت‌ها، جمع اعداد مربوط به معیارها به تمام معیارهای عدم شفافیت گزارشگری مالی تقسیم می‌شود نسبت بدست آمده نشان دهنده فساد مالیاتی شرکت می‌باشد (نمازیان و همکاران، ۱۴۰۰).

متغیر میانجی

متغیر میانجی پژوهش مسئولیت اجتماعی شرکت است، برای اندازه‌گیری آن مطابق با پژوهش‌های پیشین داخلی (رضائی پسته نوئی و همکاران، ۱۴۰۰؛ اسماعیل پور و همکاران، ۱۳۹۸؛ صفری گرایلی؛ حسینی و امجدیان؛ برزگر و غواصی کناری، ۱۳۹۵) از چک لیستی شامل مولفه‌های که نماینده افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها که با محیط گزار شگری کشور سازگار بوده است انتخاب شده است. سنجش این اقلام به این صورت است که در ابتدا با بررسی صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی و گزارش فعالیت‌های هیات مدیره شرکت‌های نمونه، اگر هر یک از اقلام چک لیست در جدول ۲ افشا شده باشد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد. در نهایت شاخص افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای هر شرکت از تقسیم جمع اقلام افشا شده بر کل تعداد اقلام چک لیست بدست می‌آید. رابطه فوق به شرح زیر است:

$$CSR = \frac{\sum_{i=1}^n Y_i}{\sum_{i=1}^m T_i}$$

در رابطه فوق، افشای مسئولیت اجتماعی (CSR)، جمع اقلام افشای شده شرکت i در سال t ($\sum_{i=1}^n Y_i$) و جمع کل اقلام افشای چک لیست ($\sum_{i=1}^m T_i$) هستند.

جدول ۲. چک لیست افشای مسئولیت اجتماعی

ابعاد	مولفه‌ها
مسائل محیطی	کنترل آلودگی، جلوگیری از خسارات زیست محیطی، بازیافت یا جلوگیری از ضایعات، حفظ منابع طبیعی، تحقیق و توسعه، سیاست زیست محیطی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیست محیطی، سایر مسائل محیطی
محصولات و خدمات	توسعه محصول/ سهم بازار، کیفیت محصول/ISO، ایمنی و سلامت محصول، توقف تولید، سایر محصولات و خدمات.
منابع انسانی	تعداد کارکنان، حقوق ماهانه/پاداش نقدی و مزایا، سهام تحت تملک کارمندان، بازنشستگی و مزایای پایان خدمت، سلامتی و ایمنی در محیط کار، برنامه‌های آموزش و توسعه کارکنان، ورزشی و رفاهی، وام یا بیمه کارمندان، روحیه و ارتباطات کارمندان، سایر منابع انسانی.
مشتریان	سلامتی مشتریان، شکایت‌ها/رضایت‌مندی مشتریان، سیاست پرداخت دیرتر برای مشتریان خاص، تدارک تسهیلات و خدمات پس از فروش، پاسخگویی

به نیاز مشتریان، سایر مشتریان.	
مسئولیت جامعه	سرمایه‌گذاری اجتماعی، حمایت از فعالیت‌های جامعه، هدایا و خدمات خیریه، اقدامات قانونی/دعاوی قضایی، فعالیت‌های، مذهبی/فرهنگی، سایر مسئولیت‌های جامعه.
انرژی	حفظ و صرفه‌جویی در انرژی، توسعه و اکتشاف منابع جدید، استفاده از منابع جدید، سایر انرژی.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی پژوهش با توجه به ادبیات پیشین انتخاب شده‌اند که در ادامه هر یک توضیح داده شده است.

اندازه شرکت: اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود، اغلب شرکت‌های بزرگ با عملیات پیچیده و سیستم‌های مالی گسترده‌ای مواجه هستند که می‌توانند فرصت‌های بیشتری برای فعالیت‌های متقلبانه ایجاد کنند. در حالی که افزایش نظارت برای شرکت‌های بزرگتر ممکن است از رفتار متقلبانه جلوگیری کند، پیچیدگی همچنین می‌تواند راه‌های بیشتری برای دستکاری فراهم کند. بنابراین، اندازه شرکت می‌تواند تأثیر دوگانه‌ای بر گزارش‌دهی تقلب داشته باشد و آن را به یک متغیر مهم در مطالعات تقلب تبدیل کند (نگا و همکاران، ۲۰۲۰).

نسبت ارزش بازار: از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن محاسبه می‌شود. نسبت ارزش بازار، که نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن است، منعکس‌کننده انتظارات سرمایه‌گذاران است. شرکت‌هایی با نسبت‌های ارزش بازار بالا ممکن است انگیزه بیشتری برای مشارکت در گزارش‌های تقلبی برای حفظ یا افزایش ارزش بازار خود و برآورده کردن انتظارات بالای سرمایه‌گذاران داشته باشند. در مقابل، نسبت ارزش بازار پایین‌تر ممکن است شرکت‌ها را به سمت گزارش کمتر مسائل سوق دهد تا از برداشت‌های منفی جلوگیری کنند. بنابراین، این متغیر به طرق مختلف بر تمایل به گزارش‌دهی تقلبی تأثیر می‌گذارد (السعدی، ۲۰۲۰).

اهرم مالی: اهرم مالی که با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود، میزان بدهی شرکت را منعکس می‌کند. اهرم مالی بالا فشار بر شرکت‌ها را برای عملکرد خوب مالی برای انجام تعهدات بدهی افزایش می‌دهد و به طور بالقوه منجر به گزارش‌های

تقلبی برای نشان دادن وضعیت مالی سالم تر می‌شود. بنابراین، اهرم بالا می‌تواند خطر تقلب را تشدید کند زیرا شرکت‌ها سعی در کاهش استرس مالی دارند (نگا و همکاران، ۲۰۲۰).

بازده دارایی: بازده دارایی‌ها که برابر سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها است، میزان استفاده مؤثر شرکت از دارایی‌های خود برای تولید سود را اندازه‌گیری می‌کند. بازده دارایی‌ها پایین ممکن است مدیریت را به سمت دستکاری نتایج مالی سوق دهد تا عملکرد ضعیف را پنهان کند، در حالی که بازده دارایی‌ها بالا می‌تواند منجر به رفتار متقلبانه شود اگر شرکت‌ها قصد دارند تصویری از عملکرد قوی حفظ کنند. بنابراین، بازده دارایی‌ها با تأثیر بر عملکرد درک شده شرکت، بر احتمال گزارش‌دهی تقلبی تأثیر می‌گذارد (السعدی، ۲۰۲۰).

اندازه هیأت مدیره: اندازه هیأت مدیره که با تعداد اعضای حاضر در مجمع عمومی سالانه شرکت اندازه‌گیری می‌شود، می‌تواند بر گزارش‌های متقلبانه تأثیر بگذارد. هیأت‌های بزرگ‌تر ممکن است به دلیل افزایش نظارت و دیدگاه‌های متنوع، نظارت بیشتری را فراهم کنند و احتمال تقلب را کاهش دهند. در مقابل، یک هیأت مدیره بسیار بزرگ ممکن است از مشکلات هماهنگی یا کاهش مسئولیت رنج ببرد، که به طور بالقوه می‌تواند منجر به کنترل ضعیف‌تر و افزایش فرصت برای تقلب شود (نگا و همکاران، ۲۰۲۰).

رشد درآمدی فروش: رشد درآمد فروش که به عنوان تفاوت بین فروش سال جاری و سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل محاسبه می‌شود، عملکرد و مسیر رشد شرکت را منعکس می‌کند. رشد بالای درآمد فروش می‌تواند بر مدیریت فشار وارد کند تا سطوح عملکرد را حفظ کند یا از آن فراتر رود و به طور بالقوه منجر به گزارش‌های تقلبی برای برآورده کردن انتظارات رشد شود. از سوی دیگر، کاهش رشد درآمد فروش ممکن است شرکت‌ها را برای پنهان کردن عملکرد ضعیف و اجتناب از واکنش‌های منفی بازار به تقلب سوق دهد (السعدی، ۲۰۲۰).

عمر شرکت: عمر شرکت که از طریق لگاریتم طبیعی زمان تأسیس شرکت تا سال تحقیق اندازه‌گیری می‌شود، می‌تواند بر گزارش‌های متقلبانه تأثیر بگذارد. شرکت‌های قدیمی‌تر ممکن است فرآیندها و کنترل‌های تثبیت‌شده‌تری داشته باشند که به طور بالقوه خطر تقلب را کاهش می‌دهد. با این حال، شرکت‌های با سابقه نیز ممکن است برای حفظ شهرت خود با فشارهای فزاینده‌ای مواجه شوند، که می‌تواند مدیریت را به مشارکت در فعالیت‌های متقلبانه برای حفظ موفقیت بلندمدت خود سوق دهد (نگا و همکاران، ۲۰۲۰).

آمار توصیفی

در جدول ۳، نتایج آمار توصیفی متغیرها ارائه شده است. میانگین اجتناب مالیاتی نشان می‌دهد که متوسط نرخ واقعی مالیات پرداخت شده توسط شرکت‌ها حدود ده درصد از سود قبل از کسر مالیات است. متوسط مقادیر فرار و فساد مالیاتی نیز نشان می‌دهد که شرکت‌های مورد بررسی در این مسئله دخالت داشته‌اند. میانگین مسئولیت اجتماعی نشان‌دهنده سطح نسبی تعهدات و اقدامات شرکت‌ها در زمینه‌های مختلف مسئولیت اجتماعی است. با توجه به چک‌لیست افشای مسئولیت اجتماعی در بخش اندازه‌گیری، این میانگین نشان می‌دهد که شرکت‌ها در ابعاد مختلف مانند مسائل محیطی، محصولات و خدمات، منابع انسانی، مشتریان، جامعه، و انرژی، عملکردی در سطح پایین تا متوسط داشته‌اند. این مقدار نشان‌دهنده لزوم توجه بیشتر به بهبود و تقویت اقدامات مسئولیت اجتماعی در این زمینه‌ها است. میانگین اندازه شرکت با توجه به مقادیر حداقل و حداکثر نشان می‌دهد که شرکت‌های انتخابی در این تحقیق از تنوع اندازه برخوردارند. متوسط بازده دارایی‌ها نیز نشان می‌دهد که شرکت‌ها به طور متوسط سیزده درصد از کل دارایی‌های خود بهره‌وری داشته‌اند. متوسط اهرم مالی نیز نشان می‌دهد که حدود ۵۳ درصد از دارایی‌های شرکت‌ها از طریق بدهی‌ها تأمین مالی می‌شود. همچنین، میانگین اندازه هیات مدیره نشان می‌دهد که تعداد اعضای هیات مدیره در اکثر شرکت‌های بورسی پنج نفر است. میانگین نسبت ارزش بازار نشان‌دهنده این است که به طور متوسط، ارزش بازار سهام شرکت‌ها در بورس تقریباً ۵/۴۳ برابر بیشتر از ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام آنهاست. این نسبت می‌تواند نشان‌دهنده انتظارات مثبت سرمایه‌گذاران از رشد و سودآوری آینده شرکت‌ها باشد. میانگین بازده دارایی‌ها برابر با ۰/۱۳۳ است. به معنای آن است که شرکت به ازای هر واحد سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها، به طور متوسط ۱۳/۳ درصد سود کسب کرده است. این مقدار نشان‌دهنده کارایی نسبی شرکت در استفاده از دارایی‌های خود برای تولید سود است و می‌تواند به ارزیابی عملکرد مالی و بهره‌وری دارایی‌ها کمک کند. رشد درآمدی فروش برابر با ۰/۴۲۵ به معنای آن است که درآمد فروش شرکت به طور متوسط ۴۲/۵ درصد افزایش یافته است. این مقدار نشان‌دهنده رشد قابل توجه در درآمدهای فروش شرکت و توانایی آن در افزایش حجم فروش یا قیمت‌گذاری محصولات است. این رشد می‌تواند به بهبود عملکرد مالی و افزایش سهم بازار شرکت کمک کند.

میانگین عمر شرکت‌ها در نمونه مورد بررسی برابر با ۲۰٫۵ سال (لگاریتم طبیعی ۳/۰۱۴) است. این نشان‌دهنده آن است که، شرکت‌های مورد مطالعه عمر نسبتاً طولانی داشته‌اند این موضوع می‌تواند به ثبات و تجربه شرکت‌ها در صنعت اشاره داشته باشد و بیانگر پایداری آنها در بازار باشد.

جدول ۳. نتایج آمار توصیفی متغیرها

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
گزارشگری متقلبانه	-	-	-	۱	۰
اجتناب مالیاتی	۰/۱۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۹۳	۰/۶۵۳	-۰/۲۳۶
فرار مالیاتی	۰/۴۶۳	۰/۱۰۵	۰/۱۶۳	۰/۶۶۷	۰
فساد مالیاتی	۰/۳۷۸	۰/۳۳۳	۰/۱۸۹	۱	۰
مسئولیت اجتماعی	۰/۲۲۲	۰/۱۲۰	۰/۱۷۳	۰/۵۹۰	۰/۱۲۰
اندازه شرکت	۱۴/۸۳۹	۱۴/۶۴۳	۱/۵۸۵	۲۰/۵۸۳	۱۰/۵۳۲
نسبت ارزش بازار	۵/۴۲۶	۳/۰۳۰	۱۹/۶۷۸	۲۷/۶۷۶	۰/۱۸۶
اهرم مالی	۰/۵۳۵	۰/۵۴۴	۰/۲۰۲	۰/۹۹۳	۰/۰۳۱
بازده دارایی‌ها	۰/۱۳۳	۰/۱۱۶	۰/۱۵۵	۰/۶۸۱	-۰/۳۷۶
اندازه هیات مدیره	۵/۰۲۶	۵	۰/۲۲۶	۷	۵
رشد درآمدی فروش	۰/۴۲۵	۰/۳۲۰	۰/۷۶۱	۱۸/۱۶۹	-۰/۷۳۳
عمر شرکت	۳/۰۱۴	۲/۹۹۵	۰/۳۷۱	۴/۰۰۷	۲/۰۷۹

نتایج فرضیه‌ها

آزمون فرضیه اول: برای سنجش فرضیه اول رویکرد بارون کنی (۱۹۸۶) مدل ۱ اجرا شده است و نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که مقدار آماره F فیشر در سطح خطای ۵٪ معنادار است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده گویای این است که ۳۵٪ از تغییرات وابسته توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌شود. نتایج عامل تورم واریانس نشان می‌دهد که هم خطی حادی بین متغیرها وجود ندارد.

در جدول ۴ مقادیر ضرایب مالیاتی برای اجتناب از مالیات، فرار و فساد مالیاتی به ترتیب

برابر با ۰/۰۵۰، -۰/۰۷۷ و -۰/۰۳۴ می‌باشند و مقادیر آماره t ضرایب در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشد. در نتیجه اجتناب از مالیات، فرار و فساد مالیاتی باعث کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود. فعالیت مسئولیت اجتماعی سوء رفتارهای مالیاتی نظیر اجتناب از مالیات، فرار و فساد مالیاتی را کاهش می‌دهد. با توجه به نتایج بدست آمده تأثیر معناداری متغیرهای مستقل (اجتناب از مالیات، فرار و فساد مالیاتی) بر متغیر میانجی (مسئولیت اجتماعی) در سطح خطای ۵٪ پذیرفته شده قرار می‌گیرد و فرضیه اول رویکرد بارون کنی (۱۹۸۶) مورد تأیید می‌شود.

جدول ۴. آزمون فرضیه اول

$$CSR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Tax Avoid_{i,t} + \beta_2 Tax Eev_{i,t} + \beta_3 Tax Corrup_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 BS_{i,t} + \beta_9 SG_{i,t} + \beta_{10} AGE_{i,t} + \sum_{i=1}^n \beta_{i,t} Year + \sum_{i=1}^n \beta_{i,t} Industry + \epsilon_{i,t}$$

VIF	سطح معناداری	آماره t	ضریب	علامت اختصاری	متغیرها
-	۰/۰۰۰	۲/۶۹	۰/۳۰۳	β_0	ضریب ثابت
۱/۰۸	۰/۰۰۸	-۲/۱۱	-۰/۰۵۰	TaxAvoid	اجتناب مالیاتی
۱/۵۵	۰/۰۱۲	-۲/۵۱	-۰/۰۷۷	TaxEev	فرار مالیاتی
۱/۰۴	۰/۰۲۹	-۲/۵۲	-۰/۰۳۴	TaxCorrup	فساد مالیاتی
۱/۴۹	۰/۰۰۰	۳/۷۲	۰/۰۱۳	Size	اندازه شرکت
۱/۰۲	۰/۵۴۴	-۰/۰۶۱	-۰/۰۲۱	MTB	نسبت ارزش بازار
۱/۳۰	۰/۲۸۲	۱/۰۸	۰/۰۲۵	LEV	اهرم مالی
۱/۵۲	۰/۹۴۱	-۰/۰۷	-۰/۰۸۲	ROA	بازده دارایی‌ها
۱/۰۲	۰/۷۹۴	-۰/۲۶	-۰/۰۷۴	BS	اندازه هیات مدیره
۱/۱۰	۰/۸۴۹	۰/۱۹	۰/۰۵۱	SG	رشد درآمدی فروش
۱/۰۸	۰/۰۰۰	۶/۰۹	۰/۰۸۲	AGE	عمر شرکت
	کنترل شد			Year	اثرات سال
	کنترل شد			Industry	اثرات صنعت

آزمون فرضیه دوم: به منظور سنجش فرضیه دوم رویکرد بارون کنی (۱۹۸۶) مدل ۲ اجرا شد. در جدول ۵ مقدار آماره LR نشان می‌دهد که مدل مورد بررسی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. مقدار ضریب تعیین Pseudo نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل و کنترلی فقط ۳۳٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. همچنین هم خطی بین متغیرها با استفاده از عامل تورم واریانس مشاهده نگردد. مقدار ضریب و آماره Z متغیر اجتناب مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۳۴۶ و ۲/۶۹ می‌باشد که در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشد. بنابراین، اجتناب مالیاتی باعث افزایش گزارشگری متقلبانه می‌شود. در نتیجه فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد پذیرش قرار می‌گیرد. مقدار ضریب و آماره Z فرار مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۲۲۵ و ۳/۸۶ می‌باشد و در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشد. این نتایج بیانگر این است که فرار مالیاتی، گزارشگری متقلبانه را افزایش می‌دهد. بنابراین، فرضیه دوم در سطح ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. همچنین، مقدار ضریب و آماره Z فساد مالیاتی برابر با ۰/۸۸۰ و ۲/۱۹ می‌باشد و در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشد. در نتیجه فساد مالیاتی، گزار شگری متقلبانه را افزایش می‌دهد. بنابراین فرضیه سوم مورد پذیرش قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج بدست آمده فرضیه دوم رویکرد بارون کنی (۱۹۸۶) در معناداری اثر اجتناب از مالیات، فرار و فساد مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول ۵. آزمون فرضیه دوم

$$FR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TaxAvoid_{i,t} + \beta_2 TaxEve_{i,t} + \beta_3 TaxCorrup_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 BS_{i,t} + \beta_9 SG_{i,t} + \beta_{10} AGE_{i,t} + \sum_{i=1}^n \beta_{i,t} Year + \sum_{i=1}^n \beta_{i,t} Industry + \varepsilon$$

VIF	سطح معناداری	آماره Z	ضریب	علامت اختصاری	متغیرها
-	۰/۰۰۰	۲/۹۷	۰/۰۴۷	β_0	ضریب ثابت
۱/۰۸	۰/۰۰۸	۲/۶۹	۰/۳۴۶	TaxAvoid	اجتناب مالیاتی
۱/۵۵	۰/۰۰۰	۳/۸۶	۰/۲۲۵	TaxEve	فرار مالیاتی
۱/۰۴	۰/۰۰۱	۲/۱۹	۰/۸۸۰	TaxCorrup	فساد مالیاتی
۱/۴۹	۰/۷۵۶	-۰/۳۱	-۰/۰۳۱	Size	اندازه شرکت

۱/۰۲	۰/۵۷۹	-۰/۵۵	۰/۹۹۷	MTB	نسبت ارزش بازار
۱/۳۰	۰/۸۸۹	۰/۱۴	۰/۱۰۶	LEV	اهرم مالی
۱/۵۲	۰/۷۷۸	۰/۲۸	۰/۳۴۳	ROA	بازده دارایی‌ها
۱/۰۲	۰/۵۳۰	۰/۶۳	۰/۳۳۲	BS	اندازه هیات مدیره
۱/۱۰	۰/۰۰۰	۹/۵۴	۰/۲۴۷	SG	رشد درآمدی فروش
۱/۰۸	۰/۱۳۷	-۱/۴۹	۰/۴۹۶	AGE	عمر شرکت
		کنترل شد		Year	اثرات سال
		کنترل شد		Industry	اثرات صنعت
		ضریب تعیین Pseudo			آماره LR (۰/۰۰۰) ۸۹/۲۶۱

آزمون فرضیه سوم: در جدول ۶ نتایج آزمون فرضیه سوم رویکرد بارون کنی (۱۹۸۶) با استفاده از مدل ۳ ارائه شده است. نتایج مقدره آمار LR در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشد در نتیجه مدل از لحاظ برآورد معنادار می‌باشد. مقدار ضریب تعیین Pseudo گویای این است که متغیرهای توضیحی ۳۳٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. همچنین مقدار عامل تورم واریانس (VIF) برای متغیرهای توضیحی کمتر از دو می‌باشد که مشکل هم خطی میان متغیرها مشاهده نشد. مقدار ضریب و آماره Z متغیر اجتناب از مالیات برابر با ۰/۲۷۳ و ۰/۸۳ می‌باشد که در سطح خطای ۵٪ معنادار نمی‌باشد. بنابراین با دخالت فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی، اثر اجتناب از مالیات بر گزارش‌گری متقلبانه کاسته می‌شود. به این ترتیب، فرضیه چهارم در سطح خطای ۵٪ پذیرفته می‌شود. همچنین، مقدار ضریب و آماره Z متغیر فرار مالیاتی برابر با ۰/۶۷۷ و ۱/۰۶ می‌باشد که در سطح خطای ۵٪ معنادار نمی‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که فرار مالیاتی اثر معناداری خود را از طریق افزودن میانجی مسئولیت اجتماعی بر گزارش‌گری متقلبانه از دست می‌دهد. به این ترتیب، فرضیه پنجم در سطح خطای ۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. در نهایت مقدار و آماره t متغیر فساد مالیاتی برابر با ۰/۸۶۳ و ۰/۲۲ می‌باشد و در سطح خطای ۵٪ معنادار نیست. این نتایج گویای آن است که مسئولیت اجتماعی، اثرات ناشی از فساد مالیاتی را جذب خود می‌کند و از اثر معناداری بر گزارش‌گری متقلبانه جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، مسئولیت

اجتماعی نقش میانجی دارد. بنابراین، فرضیه ششم هم در سطح خطای ۵٪ مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در نتیجه فرضیه سوم رویکرد بارون کنی (۱۹۸۳) مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه سوم

$$FR = \beta_0 + \beta_1 \text{TaxAvoid} + \beta_2 \text{TaxEev} + \beta_3 \text{TaxCorrup} + \beta_4 \text{CSR} + \beta_5 \text{Size} + \beta_6 \text{MTB} + \beta_7 \text{LEV} + \beta_8 \text{ROA} + \beta_9 \text{BS} + \beta_{10} \text{AGE} + \beta_{11} \text{SG} + \sum_{i=1}^n \beta_{i,t} \text{Year} + \sum_{i=1}^n \beta_{i,t} \text{Industry} + \varepsilon$$

متغیرها	علامت اختصاری	ضریب	آماره Z	سطح معناداری	VIF
ضریب ثابت	β_0	۰/۰۳۶	۲/۰۳	۰/۰۰۰	-
اجتناب مالیاتی	TaxAvoid	۰/۲۷۳	۰/۸۳	۰/۴۰۶	۱/۰۸
فرار مالیاتی	TaxEev	۰/۶۷۷	۱/۰۶	۰/۲۸۹	۱/۵۵
فساد مالیاتی	TaxCorrup	۰/۸۶۳	۰/۲۲	۰/۸۲۹	۱/۰۵
مسئولیت اجتماعی	CSR	-۰/۹۸۷	-۹/۸۹	۰/۰۰۷	۱/۰۴
اندازه شرکت	Size	۱/۰۵۱	۰/۵۰	۰/۶۱۵	۱/۵۰
نسبت ارزش بازار	MTB	۰/۹۹۷	-۰/۸۹	۰/۵۵۲	۱/۰۲
اهرم مالی	LEV	۱/۴۵۲	۰/۵۱	۰/۶۱۲	۱/۳۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۱/۴۰۳	۰/۳۱	۰/۷۵۳	۱/۵۲
اندازه هیات مدیره	BS	۱/۲۸۷	۰/۵۴	۰/۵۸۸	۱/۰۲
رشد درآمدی فروش	SG	۰/۹۲۴	۹/۶۹	۰/۰۰۰	۱/۱۰
عمر شرکت	AGE	۰/۵۴۵	-۱/۲۴	۰/۲۱۵	۱/۰۹
اثرات سال	Year			کنترل شد	
اثرات صنعت	Industry			کنترل شد	
آماره LR		۸۹/۲۶۱ (۰/۰۰۰)	ضریب تعیین Pseudo		۰/۳۳

نتایج آزمون سوپل

پس از برازش مدل‌ها رگرسیون برای آزمون فرضیه‌ها، از آزمون سوپل برای سنجش معناداری اثر متغیر میانجی استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۷ ارائه شده است.

مقدار آزمون سوبل برای فرضیه چهارم متغیر در رابطه نقش میانجی مسئولیت اجتماعی در اثرگذاری اجتناب مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه برابر با ۲/۰۶۳ می‌باشد که در سطح خطای ۰۵٪ معنادار می‌باشد. این نتایج نشان‌گویای این است که مسئولیت اجتماعی در تاثیر اجتناب مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه اثر غیر مستقیم دارد. همچنین، نتایج آماره سوبل برای نقش میانجی مسئولیت اجتماعی در اثرگذاری اجتناب مالیاتی بر گزار شگری متقلبانه برابر با ۲/۴۲۸ می‌باشد که در سطح خطای ۰۵٪ معنادار می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم نقش مسئولیت اجتماعی در اثر فرار مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه تایید می‌شود. در نهایت مقادیر آماره سوبل برای نقش میانجی مسئولیت اجتماعی در اثرگذاری فساد مالیاتی بر گزار شگری متقلبانه برابر با ۲/۴۴۱ می‌باشد که در سطح خطای ۰۵٪ معنادار می‌باشد. این نتایج بدست آمده حاکی از تایید اثر غیرمستقیم نقش میانجی در اثرگذاری فساد مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه می‌باشد.

جدول ۷. نتایج آزمون سوبل

ردیف	آماره سوبل (t)	سطح معناداری
فرضیه چهارم	۲/۰۶۳	۰/۰۳۹
فرضیه پنجم	۲/۴۲۸	۰/۰۱۵
فرضیه ششم	۲/۴۴۱	۰/۰۱۴

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر نقش میانجی مسئولیت اجتماعی در اثرگذاری اجتناب از مالیات، فرار و فساد مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه بررسی شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که اجتناب مالیاتی اثر افزایشی بر گزارشگری متقلبانه دارد. براساس تئوری تحریک اجتناب مالیاتی، استراتژی‌های اجتناب از مالیات جسورانه می‌تواند تمایل شرکت را برای پنهان کردن واقعیت‌های مالی تحریک کند، زیرا شرکت‌ها به دنبال بهینه‌سازی ظاهر مالی خود هستند، احتمال گزارش‌های تقلبی را افزایش می‌دهند. همچنین براساس نظریه انگیزشی، شرکت‌ها برای دستیابی به منافع مالی یا فرار از مجازات‌ها به رفتارهای غیراخلاقی مانند دستکاری مالی متوسل می‌شوند. در نتیجه، مزایای مالیاتی ناشی از اجتناب مالیاتی می‌تواند شیوه‌های گزارش‌دهی تقلبی را تشدید کند، زیرا شرکت‌ها انگیزه بیشتری برای ارائه

موقعیت مالی مطلوب پیدا می‌کنند. این یافته بدست آمده با نتایج پژوهش لینوکس و همکاران (۲۰۱۳) مطابقت دارد. نتایج دیگر نشان داد که فرار و فساد مالیاتی باعث افزایش گزارشگری متقلبانه می‌شوند. در این باره، تئوری تقلب بیان می‌کند که مکانیسم‌ها و انگیزه‌های پشت فرار مالیاتی و فساد دقیقاً منعکس‌کننده کسانی هستند که در گزارش‌های متقلبانه دخیل هستند. این نظریه نشان می‌دهد که فرار مالیاتی و فساد شامل تلاش‌های عمدی برای فریب دادن به نفع شخصی یا شرکتی است، این رفتارها محیطی را برای گزارش‌های متقلبانه ایجاد می‌کنند. بنابراین افزایش احتمال دستکاری مالی نتیجه مستقیم اقدامات غیراخلاقی است که قبلاً در فرار مالیاتی و فساد وجود دارد و تمایل به فریب بیشتر در گزارشگری مالی را تقویت می‌کند. این نتایج با پژوهش نگا و همکاران (۲۰۲۰) مطابقت دارد. در نهایت نتایج پژوهش داد که مسئولیت اجتماعی شرکت در اثرگذاری اجتناب، فرار و فساد مالیاتی بر گزارشگری متقلبانه، نقش میانجی دارد. براساس نظریه ذینفعان، مسئولیت اجتماعی شرکت اثر اجتناب مالیاتی، فرار و فساد را بر گزارش‌های تقلبی از طریق هم‌سوسازی شیوه‌های شرکت با انتظارات ذینفعان و هنجارهای اجتماعی واسطه می‌کند. در واقع، ابتکارات مسئولیت اجتماعی شفافیت و رفتار اخلاقی را افزایش می‌دهد، که به حفظ مشروعیت و ایجاد اعتماد با ذینفعان کمک می‌کند و در نتیجه احتمال گزارش‌های تقلبی را با وجود شیوه‌های مالیاتی جسورانه کاهش می‌دهد. این نتایج بدست آمده با یافته‌های پژوهش السعدی (۲۰۲۰). همخوانی دارد. همچنین، می‌توان یافته‌های بدست آمده را بر اساس پژوهش‌های لیائو و همکاران (۲۰۱۹)، زینگ (۲۰۱۹) و عبید و داماک (۲۰۲۳) مطابقت داد که شرکت‌هایی که مسئولیت اجتماعی را در اولویت قرار می‌دهند، احتمالاً شیوه‌های مالیاتی اخلاقی و اقدامات شفاف‌سازی را اجرا می‌کنند و خطر گزارش‌های تقلبی را کاهش می‌دهند. با پرورش فرهنگ انطباق مالیاتی اخلاقی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، سازمان‌ها می‌توانند به عنوان محافظی در برابر اثرات سوء اجتناب مالیاتی، فرار و فساد در گزارش‌های متقلبانه عمل کنند.

پژوهش حاضر در این زمینه برای جامعه و مخاطبان مختلف از جمله سازمان‌ها، سرمایه‌گذاران، سیاست‌گذاران، و قانون‌گذاران چندین دستاورد و ارزش افزوده علمی دارد. اولاً، مدیران شرکت‌ها می‌توانند از این یافته‌های تحقیقاتی برای توسعه و اجرای استراتژی‌های مسئولیت اجتماعی قوی‌تر که خطرات مرتبط با اجتناب مالیاتی، فرار و فساد را کاهش می‌دهند،

استفاده کنند. با ادغام اصول مسئولیت اجتماعی در چارچوب‌های حاکمیت شرکتی، آنها می‌توانند شفافیت، رفتار اخلاقی و دقت گزارش مالی را افزایش دهند. این رویکرد فعال همچنین می‌تواند به مدیریت انتظارات ذینفعان و حفظ شهرت شرکت کمک کند. دوماً، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران می‌توانند از نتایج این تحقیق برای اطلاع‌رسانی به توسعه سیاست‌ها و مقررات با هدف بهبود پاسخگویی شرکت و کاهش تخلفات مالی استفاده کنند. بینش‌های حاصل از این تحقیق می‌تواند به ایجاد مقرراتی کمک کند که شیوه‌های مسئولیت اجتماعی را به عنوان وسیله‌ای برای افزایش شفافیت و یکپارچگی در گزارش‌گری مالی، و در نتیجه پرداختن به تأثیرات منفی سوء رفتارهای مالیاتی، ارتقا دهد. سوماً، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی می‌توانند از این یافته‌ها برای ارزیابی شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در هنگام تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری استفاده کنند. درک این که برنامه‌های مسئولیت اجتماعی قوی می‌تواند اثرات منفی اجتناب مالیاتی و فساد را بر گزارشگری مالی کاهش دهد، به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا پایداری بلندمدت و استانداردهای اخلاقی شرکت‌ها را ارزیابی کنند. این می‌تواند بر انتخاب‌های سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارد و دقت تحلیل مالی را افزایش دهد. چهارماً، دان‌شگاهی می‌تواند از بینش این تحقیق برای کشف بیشتر روابط بین مسئولیت اجتماعی، شیوه‌های مالیاتی و گزارشگری مالی استفاده کنند. این یافته‌ها می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای مطالعات آینده در مورد اخلاق شرکتی، حاکمیت و شفافیت مالی باشد. علاوه بر این، محققان می‌توانند بر اساس این نتایج برای توسعه چارچوب‌های نظری جدید یا مدل‌های تجربی که پدیده‌های مرتبط را بررسی می‌کنند، استفاده کنند. پنجم، مؤسسات حسابرسی می‌توانند از یافته‌های تحقیق برای اصلاح شیوه‌ها و استانداردهای حسابرسی خود استفاده کنند. درک نقش مسئولیت اجتماعی در کاهش گزارش نادرست مالی می‌تواند به حساب‌برسان در طراحی روش‌ها و بررسی‌های مؤثرتر حسابرسی برای کشف و جلوگیری از گزارش‌های متقلبانه مرتبط با اجتناب مالیاتی و فساد کمک کند. این می‌تواند منجر به بهبود کیفیت حسابرسی و قابلیت اطمینان شود. در نهایت، نهادهای حاکمیت شرکتی، مانند هیئت مدیره و کمیته حسابرسی، می‌توانند از تحقیقات برای تقویت عملکرد نظارتی خود استفاده کنند. این نهادها با درک اهمیت مسئولیت اجتماعی در افزایش یکپارچگی گزارشگری مالی، می‌توانند از شیوه‌های حاکمیتی بهتر که با استانداردهای اخلاقی و الزامات شفافیت منطبق است، دفاع کرده و اجرا کنند.

یادداشت‌ها

1. Ngah et al.
2. Lennox et al.
3. Mohd Nor et al.
4. Stankevicius & Leonas
5. Alm et al.
6. Archambeault et al.
7. Garg et al.
8. Hasseldine & Morris
9. Campbell & Helleloid
10. Gribnau
11. Liao et al.
12. Huseynov & Klamm
13. Shafer et al.
14. Preuss
15. Gazzola et al.
16. Harjoto
17. Torgler
18. Bhattacharyya & Innes
19. Tran-Nam & Evans
20. Alm & Martinez-Vazquez
21. Cummings et al.
22. Wempe & Lennon
23. Hoi et al.
24. Sarhan
25. Abid & Dammak
26. Alsaadi
27. Zeng

منابع

- اسماعیل پور، رضا؛ رضائی پسته نوئی، یا سر؛ و غلامر ضاپور، محمد. (۱۳۹۸). مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و ضعف کنترل‌های داخلی: آزمون تجربی نظریه ذینفعان و علامت‌دهی. *دوفصلنامه حسابداری/ارزشی و رفتاری*، ۴(۸)، ۳۱۹-۳۳۸.
- برزگر، قدرت‌الله؛ غواصی کناری، محمد. (۱۳۹۵). مطالعه رابطه سطح افشای مسئولیت اجتماعی و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله دانش حسابداری*، ۷(۲۴)، ۱۵۵-۱۸۰.
- پورحیدری، امید؛ سروستانی، امیر. (۱۳۹۲). شناسایی و تبیین عوامل موثر بر مدیریت مالیات. *مجله دانش حسابداری*، ۴(۱۲)، ۸۹-۱۱۰.
- پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسن، امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهشنامه اقتصاد*، ۱۴(۵۲)، ۶۹-۸۵.
- پورحیدری، امید؛ شفیع همت‌آباد، حمیده. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر تغییر نرخ مالیاتی شرکت‌ها بر مدیریت سود: مورد مطالعه اصلاحیه قانون مالیات‌های سال ۱۳۸۰. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۲(۱)، ۲۵-۴۴.
- حساس یگانه، یحیی؛ رضایی، شهروز. (۱۳۹۷). مدلی برای تأثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های

- مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۵(۵۸)، ۲۷-۵۸.
- حساس یگانه، یحیی؛ بولو، قاسم؛ رضائی، شهرزاد. (۱۳۹۸). الگوی برای تأثیر ابعاد منتخب مسئولیت اجتماعی شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. *نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱(۴)، ۱۱۱-۱۳۰.
- حسینی، سید علی؛ امجدیان فتانه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و خطر سقوط آتی قیمت سهام. *مجله دانش حسابداری*، ۱۸(۲۸): ۷۵-۱۰۵.
- قادرزاده، سید کریم؛ علوی، سید مصطفی. (۱۴۰۰). اجتناب مالیاتی: مسئولیت اجتماعی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی. *مجله دانش حسابداری*، ۱۲(۳) (پیاپی ۴۶)، ۱۱۱-۱۲۸.
- فروغی، داریوش، حمیدیان، نرگس؛ بهرامی، فاطمه. (۱۴۰۱). تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر گزارشگری مالی متقلبان. *نشریه دانش حسابداری مالی*، ۹(۱) (پیاپی ۳۲)، ۱-۲۷.
- رضایی، فرزین؛ جعفری نیارکی، روح‌اله. (۱۳۹۴). رابطه بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌ها. *پژوهشنامه مالیات*، ۲۳(۲۶) (۷۴)، ۱۰۹-۱۳۴.
- رضائی پیتة نوئی، یاسر؛ غلامرضا پور، محمد؛ امیرنیا، نرجس؛ کاظمی، سید پوریا. (۱۴۰۰). راهبرد تجاری و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت. *مجله دانش حسابداری*، ۱۲(۲) (پیاپی ۴۵)، ۶۷-۸۶.
- کردستانی، غلامرضا؛ تاتلی، رشید. (۱۳۹۵). پیش‌بینی دستکاری سود: توسعه یک مدل. *نشریه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۳(۱)، ۷۳-۹۶.
- صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۷). مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش‌گذاری بازار از نگاهداشت وجه نقد شرکت. *فصلنامه علمی راهبرد مدیریت مالی*، ۶(۲۰)، ۱۶۳-۱۸۳.
- مطلبی، معصومه؛ عزیزاده، محمد. (۱۴۰۳). بررسی رابطه بین متغیرهای کلان اقتصادی و فرار مالیاتی با استفاده از رهیافت‌های غیرخطی، *مجله اقتصاد باثبات*، ۵(۲)، ۱۵۱-۱۸۱.
- نمازیان، علی؛ پورحیدری، امید؛ زینلی، حدیث. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر نرخ موثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر فرار مالیاتی و فساد مالیاتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۸(۳)، ۵۰۷-۵۳۲.
- نمازی، محمد؛ صادق‌زاده مهارلویی، محمد. (۱۳۹۶). پیش‌بینی فرار مالیاتی با استفاده از الگوریتم‌های داده کاوی درخت تصمیم. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۹(۳۶)، ۷۶-۱۰۰.
- Abid, S., & Dammak, S. (2023). Corporate social responsibility and tax avoidance: the case of french companies. *Journal of Financial Reporting*

- and Accounting*, 20(3/4), 618-638.
- Anderson, R., & Carter, J. (2024). The role of social responsibility initiatives in mitigating fraudulent reporting: evidence from environmental and social governance practices. *Journal of Corporate Governance*, 59 (2), 78-95.
- Alsaadi, A. (2020). Financial-tax reporting conformity, tax avoidance and corporate social responsibility. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 18(3), 639-659.
- Alm, J & Martinez-Vazquez, J (2007). Tax morale and tax evasion in latin american countries. *International Studies Program Working. Paper 07-04*
- Alm, J., Martinez-Vazquez, J., & Mccellan, C. (2015). Corruption and firm tax evasion. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 124, 146-163.
- Archambeault, D., Webber, S., & Greenlee, J. (2014). Fraud and corruption in U.S. nonprofit entities: a summary of press reports 2008-2011. *nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 44(6),1-28.
- Baron, R., & Kenny, D. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173-1182.
- Bhattacharyya, A., & Innes, R. (2016). Investigating the relationship between tax evasion and tax audits: a probabilistic analysis of the social cost of evasion. *Journal of Public Economics*, 142, 1-12.
- Brown, T., & Wilson, M. (2024). Rationalizing fraud: how managers justify unethical behavior in tax corruption. *Journal of Business Ethics*, 63 (3), 212-229.
- Barzegar, G., & Ghavvasi Kenari, M. (2016). Disclosure level of social responsibility and dividend policy in companies listed in tehran stock exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 7(24), 155-180. [in Persian].
- Campbell, K., & Helleloid, D. (2016). Starbucks: social responsibility and tax avoidance. *Journal of Accounting Education*, 37, 38-60.
- Cummings, R. G., Martinez-Vazquez, J., McKee, M., & Torgler, B. (2009). Tax morale affects tax compliance: Evidence from surveys and an artefactual field experiment. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 70(3), 447-457.
- Dalnial, H., Kamaluddin, A., Mohd-Sanusi, Z., & Khairuddin, S. (2014). Accountability in financial reporting: Detecting fraudulent firms. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 145, 61-69.
- Davis, M., & Adams, L. (2024). How tax corruption weakens social trust: an empirical analysis. *Journal of Political Economy*, 52 (2), 130-148.
- Esmailpour R., Rezaei Pitenoei Y., & Gholamrezapoor M. (2020). Corporate social responsibility and internal control weakness: the empirical testing of stakeholder and signaling theories. *journal of Value & Behavioral Accounting*, 4 (8),318-338. [in Persian].
- Foroughi, D., Hamidian, N., & Bahrami, F. (2022). The impact of corporate social responsibility on fraudulent financial reporting. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 9(1(32)), 1-27. [in Persian].

- Freeman, R. E. (1984). *Strategic management: a stakeholder approach*. Boston, MA: Pitman.
- Garg, M., Khedmati, M., Meng, F., & Thoradeniya, P. (2022). Tax avoidance and stock price crash risk: Mitigating role of managerial ability. *International Journal of Managerial Finance*, 18(1), 1-27.
- Gazzola, P., Paterson, A., Amelio, S., Grechi, D., & Cristina, S. (2023). The role of individual social responsibility and corporate social responsibility in the tax fraud war: a comparison *between* the priorities of Italian and Romanian consumers. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 30, 2265-2277.
- Garcia, M., & Lee, S. (2023). The impact of corporate social responsibility on managing aggressive tax avoidance in the retail sector. *Journal of Business Research*, 143, 234-245.
- Qaderzadeh, Seyed Karim; Alavi, Seyed Mostafa. (2021). Tax avoidance: corporate social responsibility and the moderating role of family ownership. *Journal of Accounting Knowledge*, 12(3(46)), 111-128. [in Persian].
- Gribnau, H. (2015). Corporate social responsibility and tax planning: not by rules alone. *Social & Legal Studies*, 24(2), 225–250.
- Hasseldine, J., & Morris, G. (2013). Corporate social responsibility and tax avoidance: a comment and reflection. *Accounting Forum*, 37(1), 1-14.
- Harjoto, M. A. (2017). Corporate social responsibility and corporate fraud. *Social Responsibility Journal*, 13(4), 762-779.
- Hassas Yeganeh, Y., & Rezaei, S. (2018). A model for the impact of corporate social responsibility and tax management costs on tax avoidance and evasion. *Empirical Studies of Financial Accounting*, 15(58), 27-58. [in Persian].
- Hasas Yeganeh, Y., Blue, G., & Rezaei, S. (2019). A model for impact of the selected dimensions of corporate social responsibility on avoidance and tax evasion. *Financial Accounting Research*, 11(4), 111-130. [in Persian].
- Hoi, C.-K., Wu, Q., & Zhang, H. (2013). Is corporate social responsibility (csr) associated with tax avoidance? evidence from irresponsible csr activities. *The Accounting Review*, 88, 2025-2059. [in Persian].
- Hosseini, S. Ali., & Amjedian, F. (2017). Examining the relationship between corporate social responsibility and the risk of future stock price crashes. *Journal of Accounting Knowledge*, 8(1(28)), 75-105. [in Persian].
- Jiang, L., & Wang, Y. (2019). The impact of social responsibility on fraudulent reporting: Promoting transparency and accountability in organizations. *Journal of Business Ethics*, 154 (3), 523-537.
- Johnson, P., Smith, L., & Brown, R. (2023). The relationship between tax avoidance and financial reporting fraud: a comprehensive analysis. *Journal of Accounting Research*, 58 (4), 120-145.
- Kaminski, K. A., Wetzel, T. S., & Guan, L. (2004). Can financial ratios detect fraudulent financial reporting? *Managerial Auditing Journal*, 19(1), 15–28.
- Kanapickiene, R., & Grundiene, Z. (2015). The model of fraud detection in

- financial statement by means of financial ratios. *Social and Behavioral Sciences*, 213, 321-327.
- Kersey, D. (1953). Other people's money: a study in the social psychology of embezzlement. *Glencoe, IL: Free Press*.
- Kim, J.-B., Li, Y., & Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. *Journal of Financial Economics*, 100(3), 639-662.
- Kim, S., & Patel, R. (2024). Tax evasion and its detrimental effects on public trust in government. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 120 (3), 75-90.
- Kleven, H. J., Kreiner, C. T., & Saez, E. (2016). Why can modern governments tax so much? an agency model of firms as fiscal intermediaries. *Economica*, 83(330), 219-246.
- Kordestani, G., & Tatli, R. (2016). The prediction of earnings manipulation: development of a model. *Accounting and Auditing Review*, 23(1), 73-96. [in Persian].
- Lennox, C., Petro Lisowsky, & Pittman, J. (2013). Tax aggressiveness and accounting fraud. *Journal of Accounting Research*, 51(4), 739-778.
- Lederman, L. (2021). The fraud triangle and tax Evasion. available at: <https://www.repository.law.indiana.edu/facpub/2968>.
- Liao, L., Chen, G., & Zheng, D. (2019). Corporate social responsibility and financial fraud: evidence from china. *Accounting and Finance*, 59(5), 3133-3169.
- Li, H., & Wang, X. (2024). Corporate scandals: The intersection of tax evasion and fraudulent financial reporting. *Business Ethics Quarterly*, 39 (2), 90-112.
- Li, X., & Chen, Y. (2024). The consequences of tax corruption on government credibility and social values. *Journal of Economic Policy Reform*, 27(1), 18-32.
- Martinez, A., & Gomez, R. (2023). The impact of tax evasion on public trust in the tax system: a moral perspective. *International Journal of Public Administration*, 46(3), 301-315.
- Mohd Nor, J., Ahmad, N., & Mohd Saleh, N. (2010). Fraudulent financial reporting and company characteristics: tax audit evidence. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 8(2), 128-142.
- Morton, Elizabeth. (2018). Corporate tax transparency reporting and benford's law. *Australian Tax Forum*, 34(1), 3451-1478.
- Motallebi, M., & Alizadeh, M. (2024). Investigation of the relationship between macro-economic variables and tax evasion using nonlinear approaches. *Stable Economy Journal*, 5(2), 151-181. [in Persian].
- Namazian, A., Pourheidari, O., & Zeinali, H. (2021). Investigating the effect of effective tax rate and quality of corporate governance on tax evasion and tax corruption. *Accounting and Auditing Review*, 28(3), 507-532. [in Persian].
- Namazi M, Sadeghzadeh Maharluie M. (2018). Predicting tax evasion by

- decision tree algorithms. *Quarterly Financial Accounting*, 9 (36) :76-101. [in Persian].
- Ngah, Z. A., Ismail, N., & Abd Hamid, N. (2022). A cohesive model of predicting tax evasion from the perspective of fraudulent financial reporting amongst small and medium sized enterprises. *Accounting Research Journal*, 35(3), 349-363.
- Ngah, Z. A., Ismail, N., & Abd Hamid, N. (2020). Tax evasion through fraudulent financial reporting amongst SMEs in Malaysia. *Journal of Financial Crime*, 28(1), 214-227.
- Nguyen, P., & Roberts, T. (2024). Corporate tax corruption and its impact on accounting practices: A case study analysis. *Journal of Corporate Finance*, 47 (1), 85-103.
- Patel, R., & Thompson, G. (2022). The mediating effect of corporate social responsibility on the relationship between tax avoidance and fraudulent reporting. *International Journal of Business Studies*, 30 (4), 241-258.
- Preuss, L. (2010). Tax avoidance and corporate social responsibility: You can't do both, or can you? *Corporate Governance*, 10(4), 365-374.
- Pourhaidari, O., Sarvestani, A. (2013). Identifying and explaining the effective factors on the tax management. *Journal of Accounting Knowledge*, 4(12), 89-110. [in Persian].
- Pourhaidari, O., Fadavi, M. H., Amini-Nia, Me. (2014). Examining the impact of tax avoidance on the financial reporting transparency of companies listed on the tehran stock exchange. *Economic Research Journal*, 14(52), 69-85. [in Persian].
- Pourhaidari, O., Shafiei Hemmatabad, H. (2013). The impact of corporate tax rate change for earnings management: the case study reform taxation act in 1380. *Applied Research in Financial Reporting*, 2(1), 25-44. [in Persian].
- Rezaei F, Jafari Neyarki, R. (2015). The Relationship between Tax avoidance and firms' Accounting fraud. *Tax Research Journal*, 23 (26) :109-134. [in Persian].
- Rezaei Piteh Noei, Y; Gholamrezapur, M; Amirnia, N; Kazemi, Se P. (2021). Business strategy and corporate social responsibility disclosure. *Journal of Accounting Knowledge*, 12(2 (Continuous 45)), 67-86. [in Persian].
- Riahi-Belkaoui, A. (2004). The determinants of tax evasion: A cross-country investigation. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 13(2), 135-143.
- Roberts, T., & Wang, H. (2024). The societal impact of tax evasion and corruption: a global perspective. *Journal of Public Economics*, 68 (1), 45-61.
- Safari Gerayeli, M. (2018). Corporate social responsibility and market value of corporate cash holdings. *Financial Management Strategy*, 6(1), 163-183. [in Persian].
- Stankevicius, E., & Leonas, L. (2015). Hybrid approach model for prevention of tax evasion and fraud. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 213, 383-389.
- Shafer, W., Simmons, R., & Yip, R. (2016). Social responsibility, professional

- commitment and tax fraud. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 29, 111-134.
- Smith, J. (2023). The interplay between tax avoidance and financial fraud: a contemporary examination. *Journal of Financial Ethics*, 45 (2), 56-78.
- Swanepoel, A., & Meiring, J. (2017). Morality associated with fraud, corruption and tax evasion in south africa, *Journal of Tax Research*, 15, 333-358.
- Sarhan, A. (2024). Corporate social responsibility and tax avoidance: the effect of shareholding structure - evidence from the UK, *International Journal of Disclosure and Governance*, 21, 1-15.
- Slemrod, J. (2007). Cheating ourselves: the economics of tax evasion, *Journal of Economic Perspectives*, 21(1), 25-48.
- Suchman, M. C. (1995). Managing legitimacy: strategic and institutional approaches. *Academy of Management Review*, 20(3), 571-610.
- Torgler, B. (2003). Tax morale, rule-governed behavior and trust, *Constitutional Political Economy*, 14(2), 119-140.
- Torgler, B. (2007). Tax morale and compliance: review of evidence and case studies for europe. *The Journal of Economic Surveys*, 21(1), 23-44.
- Tran-Nam, B., & Evans, C. (2005). Tax compliance, tax complexity and tax morale: an empirical analysis. *Australian Tax Forum*, 20(3), 423-449.
- Wang, H., Li, X., & Roberts, T. (2023). The consequences of tax corruption on institutional trust and societal well-being. *Economic Policy Review*, 44 (4), 101-119.
- Wempe, B., & Lennon, M. (2016). The impact of tax morale and institutional quality on the shadow economy. *Journal of Business Ethics*, 137(2), 305-324.
- Zeng, T. (2019). Relationship between corporate social responsibility and tax avoidance: International evidence. *Social Responsibility Journal*, 15(2), 244-257.